

**مبارزه ضد امپریالیستی  
جد از مبارزه برای  
دمکراسی نیست**



**کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۱۶

چهارشنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۶۰

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

**بصاحبه لا جوردی و گیلانی چه در کربه  
جمهوری اسلامی راه نمایش گذاشت!**

نسبت به رژیم مدجندان کرد  
مردم برای تنی چهره گریه لا جوردی  
در تلویزیون را آئینه تمام نمای  
رژیمی دیدند که خود را قیم مردم و نماینده  
انقلاب مردم جا می زند. میلیونها

بصاحبه آستان انقلاب مرکز  
و حاکم شرع تهران که شیهای سه شنبه و  
چهارشنبه هفته پیش از تلویزیون  
پخش گردید موجی از تنفروا نزجار را  
نسبت به حکومت جمهوری اسلامی برانگیخت  
و عظم و نفرت مردم ایران و جهان را

بقیه در صفحه ۲

**بودجه سال ۶۰: گامهای بلند به سوی امپریالیسم**

در سال جاری، رژیم جمهوری اسلامی  
با بسط روابط سیاسی و اقتصادی با  
کشورهای با مصالح هم پیمان با آمریکا  
گذشته از مرزها با دلان بین المللی  
که در دو سال گذشته "با نهایت افتخار"  
بودهای سرشاری بچیب زده اند، به  
"مبارزات ضد امپریالیستی" خود جلوه  
تازه ای می بخشند!  
بودجه پیشنه های دولت رجائیسی

آئینه تمام نمای برنامه های حزب حاکم  
در جهت بازسازی هرج و مرج آمیز نظام  
سرمایه داری بشیوه "تکتی" است،  
شیوه ای که منافع و مصالح "بازار" را  
بمنوان "رکن اساسی انقلاب" محسور  
اقدامات خود قرار داده و از این لحاظ  
در تقابل با شیوه بازسازی "لیبرالیستی"  
قرار دارد.

بقیه در صفحه ۳

**سرمقاله  
بحران در حال  
رسیدن است**

وقایع چند روز گذشته بدرستی نشان  
داد که جا معه ما اکنون در آستانه یک نبرد  
تعمین کننده قرار گرفته است. بحران  
زرفنی که از مدتها پیش انتظارش میرفت  
مدا من نزدیک تر می شود. انقلاب و ضد انقلاب  
بیش از پیش در مقابل یکدیگر صرف آرائی  
می کنند و خود را برای نبردهای آما ده  
می زنند.  
رویدادهای هفته گذشته که به بحران  
سیاسی موجود با دتا زده ای بخشید، -  
کمترین تردید بزای نمی گذارد که در  
آینده نزدیک بروز رویدادهای مستتر  
و نبردهای مبروشنت ما را جتنا بنا پذیر  
است. این نبرد، نبود مبروشنت انقلاب  
نبرد قطعی میان انقلاب و ضد انقلاب محسور  
می شود. تجربیات تاریخی و انقلابهای  
جهانی نشان می دهد که در هر انقلاب نیمه  
کاره یا ناتمام پس از گذشت زمانی چند،  
انقلاب با بدبسرانجام قطعی خود برسد،  
پیروزی با شکست. زیرا کشمکش میان -  
انقلاب و ضد انقلاب و بحران ناشی از آن  
نمی تواند اندر ای مدت طولانی با بدبسرانجام  
و جا معه را مدا م عرصه کشمکشها و درگیریهای  
خودنما بد.

بقیه در صفحه ۲

به مناسبت شام زونی ۱۸۴۸  
روز مبارکای تاریخ

**درسهایی از انقلاب  
۱۸۴۸ فرانسه**

درسهای ۴۹ - ۱۸۴۸ در سرا سرا اروپا  
انقلابها شروع می دهد که از میان آنها  
انقلاب فرانسه بیش از همه موضوع کوشش  
تئوریک مارکس قرار می گیرد. این انتخاب  
مارکس به قول انگلس ناشی از آن بود که  
مبارزه طبقاتی در اروپا با زوره، بیش  
از همه جا در فرانسه به با ن قطعی خود  
رسیده بود و با به گفته لنین "فرانسه طوسی  
سالهای ۵۱ - ۱۸۴۸ همای بهره ها ای تکامل  
را که ذاتی تمام جهان سرمایه داری است،  
به شکل سریع، شدید و متمرکز نشان داد."

بقیه در صفحه ۱۲

**دربارهٔ اخراج  
کارگران  
و ضرورت مقابله و  
مقاومت در برابر آن**

صفحه ۷

**پیام سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران  
به مناسبت ۸ تیر**

صفحه ۱۶

**در این شماره**

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از میان نامه های کارگری
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو
- گزارشهای روسستانی

**مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی  
پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان**

### بحران در حال رسیدن است

بقیه از صفحه ۱

امروز نیز ما در مقطعی قسری گرفته ایم که کشمکشها و دسپال و نیم گذشته به بحران اقتصادی و سیاسی موجود - آنچنان ایضا دیده شده است که با بسند سرانجام قطعی خود را در یک نبرد نهایی بیابد. با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی که در نزاع عقیدت با لائیهها، رقبا و خود را شکست داده است نخستین گامهای جدی خود را در جهت سرکوب انقلاب و حل بحران سیاسی موجود آغاز نموده است. شنبه خونین تهران که طی آن تظاهرات مسالمت آمیز مردم بیخون کشیده شده و آنها نفرکشته و صدها نفر زخمی شدند، نقطه تحولی تازه در نبرد محسوب میشود که اکنون در سرا سراسر همه تکامل مییابد. حکومت در ادامه سیاستهای ضد انقلابی خود، یورش دیوانه وارش را آغاز نمود. بسپار دستهای چماق در حزب اللهی کشتارها و اعدامهای دسته جمعی اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی، بگلوله بستن تظاهرات و راهبها شیوا و اعترافات توده های مردم همه بیانگر اینست که این مرحله یورش ضد انقلاب آغاز شده است. در این مرحله حاکمیت میگوید: "ما تسول به سرکوبیهای بی در پی دیوانه وارش، ترویز، زندان، اعدام، ... روحیه انقلابی توده ها را درهم شکسته و با ایجاد دمیست رعب و وحشت جنبش روپا عتلائی توده های مردم را درهم شکسته، اعترافات را در هم کوبید و سرکوبیهای بی در پی را در هم نهاد. آنجا که این تاکتیک در شرایط کنونی جامه، آخرین حربه است که حاکمیت بجای خود ازین دست موجود برگزیده است. زیرا آنجا که این تاکتیک در شرایطی که مدام بحران اقتصادی و سیاسی موجود از عمق و ژرفای آن زایل نمیشود، در شرایطی که تظاهرات توده ها مداوم میگردند و جنبش توده های اشکال آشکار و گاملا انقلابی خود میگیرد و در همان حال حاکمیت در اوج توانی خود بسر میبرد، نشاندننده این امر است که همه تاکتیکهای دیگر کارائی خود را از دست داده اند و این تنها تاکتیک حاکمیت در قبال اوضاع موجود است. اما نتیجه بودن این تاکتیک از هم اکنون آشکار شده است. مثلی است معروف که میگوید "دزد ناشی به کاه دان میزند" - سران جمهوری اسلامی نیز در بدو شرایطی با این تاکتیک تسول جسته اند. آنها دیده بودند که رژیم شاه با بسیاری از رژیمهای مرتجع در شرایطی توانسته اند، با تسول به سرکوب، ترویز و اعدام و با نتیجه ایجاد رعب و وحشت مدتی عدیمات خود ادا نموده اند. اما این آقا با این بهر تنها چیزی که توجه نکردند، شرا یک اقتصاد و سیاسی جامعه، سطح کیفیت جنبش توده ای و توازن نیروهای طبقاتی است. سران جمهوری اسلامی با این مسئله توجه نکردند

که اوضاع اقتصاد دویسیا سی موجود یک چنین اجازها را به رژیم در مانده و ناتوان آنها نخواهد داد. آنها توجه نکردند که موج نوین جنبش اعتراضی و آشکار توده ها بسرعت در حال تکامل است و روحیه انقلابی توده ها بسادگی فروکش نخواهد کرد. آنها توجه نکردند که سازمانهای انقلابی توده های مردم مستحکم و با پیدار در مقابل یورشها و ضد انقلاب ایستادگی خواهند کرد. بنا بر این حاکمیت در اولین یورشهای خود نتوانست کمترین تزلزل در مبارزات توده ها و سازمانهای انقلابی آنها پدید آورد، بلکه با تمسک تا توانست و در مانده گی خود را بیش از پیش عیان و آشکار نمود و نفرت و نیز آزار هر چه بیشتر توده ها را برانگیخت و به انقلاب نیروی مقاومت ایستادگی تازه ای بخشید و ترس از خونریزی و سرکوبی را از میان برد. موج تظاهرات و کشتارها و اعدامها در اعتراض به کشتارها و سرکوبیهای اخیر صورت گرفت و در برخی شهرها نیز به مراکز صنایع و سرکوب رژیم حمله شد. جنبشهای اعتراضی هفته گذشته علیه غم سرکوبها، ترویزها و اعدامهای هیئت حاکمه نشان داد که نه تنها حاکمیت قادر به سرکوب جنبش توده ای نیست، بلکه اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه آن پرویه رشد جنبشهای خود بخودی و اعتراضی توده ها را تسریع نمود. این مسئله لازم است که حرکات و اعتراضات هفته گذشته را با بدگامیهای نخستین یک جنبش سرسری علیه رژیم ضد انقلابی حاکم در نظر گرفت. بنا بر این آموختن درسهای لازم از این اعتراضات - میتوانند نیروهای انقلابی را بوظیفه خطیریکه در قبال جنبش بردوش دارند، بیش از پیش آگاه سازد. از جمله توجه باین مسئله است که هنوز اعتراضات جنبه محلی پراکنده و منفرد دارند. هنوز جنبش توده های بان مرحله از تکامل خود نرسیده است که بصورت یک جنبش سرسری و گسترده بروز کند. هنوز پیوند لازم میان مبارزات کارگران در کارخانه ها، کارمندان در ادارات و ... با تظاهرات و درگیریهای خیابانی پدید نیامده است. هنوز نیروهای انقلابی گامهای عملی و جدی در جهت بسیج تمام نیروهای خود بر علیه خصم مشترک - بر نداشتند. در یک کلام گرچه یک جنبش سرسری در حال تکامل است، اما هنوز این جنبش سرسری و گسترده پدید نیامده است. بنا بر این اولاً "با بدمنتی تلاش خود را در جهت پیوند مبارزات پراکنده محلی و منفرد یکا بر برد، ثانیاً "همراه با تکامل مبارزه، مبارزاتی را که در کارخانه ها، روستاها، ادارات و ... در جریان است، با تظاهرات و مبارزات خیابانی پیوند زد. وثالثاً "تلاشهای جدی را در جهت وحدت نیروها و جلوگیری از پراکندگی و خرده کاری آغاز نمود. - با بد در نظر داشت که گرچه نیروهای سرکوب دشمن هنوز بان مرحله از سازمان یافتگی

خود نرسیده اند که بتوانند همراه با دسته های چماق در حزب اللهی ترویزهای پراکنده را درهم کوبند. اما بهر حال خطر نیست که با پیدان توجه کافی مبذول داشت، زیرا دشمن میگوید با استفاده از این نقطه ضعف بیشترین ضربات خود را بجنبش توده ای وارد آورد.

به بحث اصلی با زگردیم.

سوی آنچه که در موردی اثر بودن تاکتیکهای هیئت حاکمه گفته شد. موج - بمب گذاریها و ترویزها و روغنیت های وابسته به حزب جمهوری اسلامی اوضاع جامعه را با زهم بحرانی تر کرده و حاکمیت را از هر سو درین دست قرار داده است. اینها رفق حزب جمهوری اسلامی در یکشنبه شب هفته اخیر که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از سران حزب جمهوری اسلامی، رهبران و سازماندها با ندهای سیاه، و ترویزها و شخصیت های سیاسی حزب از جمله بهشتی شد، ضربه خوردننده ای را به حزب جمهوری اسلامی وارد آورد. گرسه بسادگی قادر بر جبران آن نیست. گرچه هنوز هیچ سازمان و گروهی رسماً "مسئولیت این اتفاق را بر عهده نگرفته است و هنوز معلوم نیست که این اقدام از سوی نیروهای انقلابی صورت گرفته و یا از سوی رقبای ضد انقلاب حزب، اما بهر حال نتیجه ای که برای حاکمیت موجود در برابر خود اهدا است بگمان است. سازمانی، ضعف ناتوانی هر چه بیشتر.

اما اوضاع موجود نشان میدهد که حزب جمهوری اسلامی با قیسه تمامی اهرمهای قدرتهای تنها یک راه در پیش روی دارد و آن نبرد مرگ و زندگی است. بنا بر این علیه غم تمام نقاط ضعف خود میگوید با اتکاء بر گانهای منظم، و غیر منظم سرکوب و نیز با اتکاء به پایگاه بسیج ضعیف و محدود خود در میان توده ها، آخرین ضربه کاری را بر پیگیر انقلاب وارد آورد. سادگانگاریست که تصور کنیم، رژیم با شرایطی که پیش آمده است، دست از یورش ضد انقلابی خود برخواهد داشت. زیرا این امر پروسه نا بودی ترا هزار بار بیشتر تسریع خواهد نمود. کلاماً فرخ حزب جمهوری اسلامی اینست: شکست یا پیروزی تا پای جنگ داخلی، نیروهای انقلابی نیز با بد در نظر داشته باشند که حاکمیت یک - جنگ داخلی را ب مردم تحمیل خواهد کرد، بنا بر این ضروریست که حتی خود را برای جنگ داخلی نیز که از سوی حاکمیت ب مردم تحمیل خواهد شد، و احتمالاً وقوع آن وجود دارد، آماده کنند. مسئله دیگری که در این زمینه با بد توجه کافی مبذول داشت سیاست امپریالیسم و نقش ارتش در شرایط بحرانی کنونیست. امپریالیسم اکنون با توجه تا موشما مبه شرا بط بحرانی و وضعیت مشخص جنبش توده ای و توازن نیروها، سیاستی گاملا "حساب شده راد انبال می کند. امپریالیسم علیه غم اینکه بخوبی آگاه است که حزب جمهوری اسلامی و رژیم حاکم قادر نیستند، اما با توجه به مجموع شرایط موجود در اینده، اما با توجه به مجموع شرایط حاکم و توجه به سیاستهای سرکوبگرانه حزب

بقیه در صفحه ۱۸

## آزادی سیاسی تامین، باید گردد شورای انقلابی ایجاد باید گردد



# بودجه سال ۶۰: گامهای بلند سوی امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

بدنبال امتحانات مالی رژیم و آزادی گروگانها، خرید اسلحه و نمونه های دیگری که هنوز افتاء نشده است و بدنبال مذاکرات رسوا شده رژیم در عقد قرارداد با شرکت های امپریالیستی تالیوت، مزدا، جنرال موتورز، قرارداد سری اخیر برای خرید بیش از یک میلیارد دلار اسلحه از آمریکا و... لایحه بودجه ۶۰ که در کلیت خود سیاست نزدیکی هر چه بیشتر با امپریالیست ها در بر سر دارد، جهت تصویب به مجلس ارائه شده است.

در سال جاری، ارمغان حزب جمهوری اسلامی که در بودجه ۶۰ منعکس است، نزدیکی سریع و فزاینده به امپریالیست های بی خطر (نظیر ژاپن و آلمان غربی)، تشدید وابستگی، افزایش تورم، بیگاری و فقر و مسکنست قبضه کامل قدرت حکومتی و تشدید فضای اختناق و سرکوب است. در ابتداء شاید چنین بنظر آید که این قبیل امور نمیتوانند در چارچوب بودجه بگنجد اما واقعیت این است که این بودجه عمدتاً نه بر اساس شرایط موجود اقتضای، بلکه بنا به الزامات سیاسی و نیازهای حزب حاکم تدوین شده است. و از این رو با زتاب سیاستهای ضد خلقی حکومت است. اکنون حزب برای بازسازی "مکتبی" سیستمی که در اثر قیام مردم به آن ضربات مهلکی وارد شده، ولی تابود نشده است و سوی مشخص تری از خود بروز میدهد، سمت گیری کمپرادوری به سوی امپریالیست ها توأم با سرکوب توده ها که در جهت قطع وابستگی به مبارزهای بی ایمان برداخته اند. مادر این سلسله پایه ها و جلوه های اساسی سیاست های اساسی حکومت را ضمن بررسی بودجه، نشان خواهیم داد.

## نفت: وابستگی و تورم

بودجه ۶۰ از یک سو نشان دهنده ورشکستگی رژیم و از سوی دیگر بیانگر تشدید وابستگی است. رژیم جمهوری اسلامی که از همان فردای قیام دست بکار با زسازی و ترمیم سرمایه داری وابسته شد و بدین منظور شوراها و دیگر نهادهای خودجوش توده ای را که در جهت استقلال، کنترل تولید و پی ریزی نظامی نوین به پیش می رفتند مورد تاخت و تاز و سرکوب قرار داد و از این طریق بحران اقتصادی را حادتر بخشید، و اقتضای مبارزه ورشکستگی گشایش داد، اکنون برای تدوین حکومت ارتجاعی خود چاره ای جز نزدیکی بیشتر به امپریالیست ها و تشدید وابستگی ندارد. از قیام بهمن ماه ۵۷ تا کنون،

اکنام رژیم به درآمدهای نفتی سال به سال افزایش یافته و اقتصاد متکی بر محصولی قوت بیشتری یافته است. فروش نفت بمیزان ۳۳ میلیارد دلار (۲۴۱۱ میلیارد ریال) ۷۷ درصد از کل درآمدهای بودجه پیشینهای سال ۶۰ را تشکیل میدهد، که چه از نظر میزان و چه از نظر سهمی که در درآمدهای دولت دارد، بالاترین رقم چند سال اخیر است. اما در واقع آ میز وابستگی به نفت بر هیچ کس پوشیده نیست و حتی دولت مردان جمهوری اسلامی نیز از آن غافل نیستند. دکتر با نکی دبیر کمیسیون ویژه بررسی بودجه هیات دولت میگوید: "طبق سنت غلط و غیر مردمی رژیم، گذشته درآمدهای عمومی کشور عمدتاً از نفت و تا حدودی مالیاتها و انحصارات نامین میشده است (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۳۰). آری رژیم ضد مردمی گذشته متکی به نفت و سر نیزه و امپریالیسم بود. و این رژیم که رسالت خود را حفاظت از "سنت غلط و ضد مردمی" گذشته "قرارداده" بیش از پیش متکی به نفت و سر نیزه - و امپریالیسم میشود. در این باره، نخست وزیر در مقابل با اعتراضهای مردم میگوید: "اگر صحبت از نفت میشود میگوید شروت ملی است پس دولت چه کار کند" (انقلاب اسلامی ۶۰/۳/۱۲) بر اساسی دولتی که چهار رتعل بسوی امپریالیست ها میتازد، جز این چه کار میتواند بکند؟

دولت مدعی است که برای تامین کسری درآمدهای بودجه چاره ای جز فروش بیشتر نفت و یا استقرار ارز با تک مرکزی ندارد. این اظهارات چنان بی پایه است که حتی سروصدای بعضی از نمایندگان مجلس را در آورده است. نماینده فسا اظهار میدارد که "چرا دولت برای جبران کمبود هزینه از اموال مصادره شده استفاده نمیکند" (میزان ۶۰/۳/۱۰) و بیا عده ای دیگر رساله "قرضه ملی" را عنوان کرده اند که صرف نظر از نیت طراحان آن، بهر حال اگر این قرضه از طریق مسدود کردن بخشی از حسابهای بانکی سرمایه داران و تجاری بزرگ، انجام میگرفت به مراتب کم زیان تر از نحوه ای بود که دولت در پیش گرفته، که جز افزایش افسار گسیخته تورم نتیجه ای ندارد. این قبیل شیوه های تامین کسری درآمد "برای یک دولت ورشکسته و ضد مردمی هم کاملاً امکان پذیر است. ولی رژیم جمهوری اسلامی زیانبارترین و ضد مردمی ترین شیوه را برگزیده است.

بهر حال، بر اساس اظهارات مقامات دولتی، از ۳۳ میلیارد دلار درآمد نفتی، ۲۰ میلیارد دلار صرف ورود کالا، مبلغ ۷ میلیارد دلار صرف نیازهای ارزی کشور (از قبیل ارز ناشجوشی) و همچنین

صرف خرید مواد اولیه یا سرمایه دار میشود که در حقیقت با ید با میلیاردها میلیارد دلار جمع شود. و ما بقی یعنی میلیاردها دلار از باقی مانده به عنوان پشتوانه پول رایج و با احتمالاً نشد پول جدید مصرف خواهد شد. به این ترتیب دولت در حقیقت "سیاست درهای باز" به مرحله اجراء می آورد، و به تعبیر "محترم" اطمینان میدهد که با اجراء مدیریت صحیح "میتوان امید داشت که مشکلات مربوط به ورود کالا حذف خواهد شد" (جمهوری اسلامی ۶۰/۳/۲). این اظهارات، بطلان وعده تا جریسندوز با زرگان مبنی بر این که "مر" ملی شدن تجارت خارجی ظرف یکی دو سال آتی، عملی نخواهد بود، راستای سیاست دولت را در جهت منافع تجاری از یک طرف و منافع "امپریالیست های خوب" (نظیر ژاپن!) که با ید کالا از آنها خریدار شود را، از طرف دیگر، نشان میدهد.

در جهت توجیه نزدیکی به امپریالیست ها، دکتر با نکی طی مقاله تحت عنوان "تحلیلی دربار بودجه ۶۰ می نویسد: "برای کشورهای مختلف، نهایت افتخار است که با ایران وارد مذاکره و به بودروابط سیاسی و اقتصادی شوند. با ید از این نکته بهره برد در فروش نفت و خرید اجناس ضروری کرد. در مورد این قبیل کشورها که کمال افتخار را ضربه صدور کالا به آنها هستند، وی از ژاپن و آلمان نام میبرد و خاطرنشان میسازد که "در این توطئه های امپریالیسم کمترین توف را در جهت جلوگیری از مرادوات آفته بین این کشورها با مصالح هم بهم آمریکا با ایران نداشته است.

(جمهوری اسلامی ۶۰/۳/۳)  
بدین ترتیب در سال جاری رژیم جمهوری اسلامی با بسط روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای "با مصالح" هم پیمان با آمریکا، گذشته از مرادوات دلالت بین المللی که در دو سال گذشته "ب نهایت افتخار" سودهای شراب ربحی زده اند، به "مبارزات فدا امپریالیست خود جلوه تازهای می بخشد!

لایحه بودجه ۶۰ خطوط کلی سیاست های حکومت در مورد فروش نفت خرید کالا از کشورهای امپریالیستی مشخص میکند، لیکن آیا پیش بینی های دولت بروا قعیات اقتصادی منطبق است؟ بنا بر شرایط قنی تولید نفت، در ایران و همچنین ظرفیت جذب بازارها جهانی، امکان فروش نفت بمیزانسی دولت پیش بینی کرده است، غیر ممکن بنظر میرسد، در این صورت، از آنجا که دولت بازارها اعلام کرده که جز فرو

بقیه در صفحه ۸

# پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# مصاحبه لاجوردی و کیلانی چهره کریه جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت!

خواستند چنین الفاء کنند که گویا این نوجوانان سیزده چهار ده ساله فریب رهبران را خورده تا جا شبکه زکفتن نام خود را متناع کرده اند.

واقعیت این است که خون جنایت آنچنان چشمان این دیوها را کشتارگاه اوین را گور کرده است که نمیخواهند بفهمند این رشد جنبش انقلابی است که تا عمق جامعه و تا سینه پاشین نیز گسترده شده است و نه فریب رهبران! آری این کوردلان نمیدانند که این امر انعکاس با شکوه گسترش آگاهی انقلابی است که این چنین رژیم جمهوری اسلامی را وحشت زده کرده است. لاجوردی وقتی یک دختر مجاهد را که تنها ۱۴ سال دارد و در مقابل خود می بیند که نه تنها اظهار رنداست نمیکند بلکه با پیدا روستا و به آرمایش که خدمت به خلق است اظهار وفاداری میکند، بهش می لرزد، او خیا نتهای خود را بیاد می آورد که در مقابل رژیم شاه و ساواک مزدور زبون و نادم بخساک افتاد و سال ۵۶ مورد عفو ملوکانه واقع شد.

و برآستی این حماسه ها پشت رژیم را می لرزاند. حماسه های مقاومت، عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق، و از این قهرمانیها، جنبش های راهی بخش در سراسر جهان نمونه های بسیاری تقدیم بشریت کرده است. در الجزایر، در کوبا، در ویتنام و شیلی... آری همچنان که نمایشای تلویزیونی لاجوردی ها چهره کریه رژیم را پیش از پیش عیان می سازد چهره های درخشان نسل انقلابی ایران را که شور و جانیابی فدائاری و ایمان نهال انقلاب ایران را بارورتر میسازند، برجسته تر میسازد.

موسیقی می نمودند. آنها به اخطارهای مکرر حزب الله و قسین نهادند و کماکان به بخش موسیقی (نظیر کوچک خان و سزور) مبادرت می ورزیدند تا اینکه حزب اللهی ها بعد از تهدیدات مکرر آنها به مرگ، اقدام به بمب گذاری می کنند که در آنها متوجه میشوند. سرانجام ساعت ۲ با مداد درو زشتی به بیست و چهارم خرداد علیه رزم آرمی چهار نفر درون یکی از دکه ها خواب بودند اقدام به پرتاب بمب به آن دکه می نمایند که ۲ نفر دردم شهید و یک تن دیگر زخمی شدند.

اکنون اکثریت مردم رشت می دانند که قاتلین این جوانان زشتی چه کسانی هستند، رژیم جمهوری سلفی به همراه این دارو دسته های آدمکش امروز بخوبی برای مردم شناخته شده است.

و با ز مردم بخوبی دیدند که نه لاجوردی و نه کیلانی هیچکدام کوچکترین توجهی برای اعدام مبارزانی چون سعید سلطانی و علیرضا رحمانی و... کشته ماها قبل از وقایع ۳۰ خرداد که ظاهراً مستمک اعدا میا و کشتار بی معاصمه مبارزان بوده است، ندانند که در کشته بگویند. مردم دیدند که دادستان و حاکم شرع با کمال وقاحت و بیشرمی اعلام کردند که مجرمین وزخمی ها کرم "نیم کشت" شده اند با بدگشته شوند و با این ترتیب به پاسداران و باندهای سیاه جوار دادند که مجروحین را از زوری تخت بیمارستانهای فیروزگر، خمینی، شریعتی و... پاشین کشیده و بر جوخا اعدام بسپرند و با خود بقتل برسانند و همه اینها برای میلیونها بیننده مشغی کرد که جنایتکاران رژیم جز به انتقام کشتی و شیوه های فاشیستی ارباب و وحشت که تنها نظیرش در کوره های آدم سوزی فاشیستهای هیتلری و اردوگا های صهیونیستهای اسرائیلی و در پیدا دگا های بانگ های آمریکا کشتی در ویتنام وجود داشته است نمی اندیشند! اما از طرف دیگر آنچه مردم آگاه و مبارزان ایران در محاصره دیدند دلاوری و جانیابی دلاوانی است که بخاطر دفاع از آزادی و استقلال واقعی میهن از زیر سلطه امپریالیستها و دفاع از چمتگشان و محرومان جامعه، از جانشان گذشته اند. این محاصره با زبان جنایتکارانی چون لاجوردی و کیلانی حماسه پر شکوه نوجوانان سیزده چهار ده ساله ای را نمایش گذاشت که عشق و ایمان خود را به خلق و آرمانهای والای خویش در زیر تیغ جلاد اعلام کردند. جانیابی نظیر لاجوردی

بقیه از صفحه ۱  
هموطنانی که محاصره ها را دیدند بلافاصله برایشان حسینی شکنجه گرا وین، فرسیوی جلاد، دادرسی ارتش و نا بیتی جنایتکار مقام امینی شاه تداعی گردید، منتهی با قساوتی بیشتر و سیمانی عربیان تراز ددمنشی قرون وسطای اهداف رژیم از ترتیب چنین محاصره ای این بود که میخواست با ایجاد رعب و ترس از توسعه مبارزات روبه رشد مردم و نیروهای انقلابی علیه رژیم و حزب جمهوری اسلامی بکا هد، اما مردم مبارزان ایران در پی جابجالیها و عریبه کشتی های لاجوردی که بشکل مشتمل کننده ای در تلویزیون به نمایش گذاشته شده، از بکطرف پیش از پیش به ما هیت و خشکیهای ضد بشری رژیم می بردند و از طرف دیگر نیروی ایمان و اعتقاد دتزلزل ناپذیر خلق را که در نسل جوان این مروز بوم متجلی شده است برای تعیین مشاهده کردند.

مردم ایران و جهان پیش از پیش در یافتند که آنچه بنام "عدل اسلامی" و "حکومت مستضعفان" ادعا میشود حرفهای پوچ و بی محتوایی بیش نبوده و وقتی حاکمیت رژیم از جانب توده های مبارز آگاه و بخطر می افتد دیگر هیچ معیار و ضابطه انسانی، حقوقی، ملی و بین المللی برایشان مطرح نیست. در چنین شرایطی آنها مانند ماری زخم خورده بخسود می پیچند و نیشهای زهر آگین خود را بهر چیز و هر کس می زنند. دیگر برایشان نه جهان ایران و نه افکار عمومی مردم جهان هیچکدام بشیزی ارزش ندارد.

اینجاست که به همه شکردها، دروغها اتهامات واهی و بهتان متوسل میشوند. اما همه اینها پیش از پیش رسوا پیشان می سازد. وقتی اتهامات تیرباران شدگان داشتن فلفل نیک، سرکه و فن کونیل (دستگاه خنک کننده) اعلام میشود و دوربین تلویزیون هم در تمام مدت این ابزارهای "جرم" را نشان میدهد دیگر قضاوت مردم در باره این جانیان معلوم است. وقتی مردم در محاصره اول دیدند که کیلانی اعلام کرد که خبر اعدام دختران چهار ده ساله ما لسه دروغ محض است و آنها حول ۱۸ سال بوده اند" و روز بعد لاجوردی در جلوی کیلانی با کمال وقاحت رسماً "اقرار کرد" این دختران سیزده ساله بوده اند، "میرساند که رژیم آگاهانه تمام موازین را زیر پا گذاشته است. وقتی مردم می بینند که دستگیر شدگان طرف دوساعت محاکمه شده و بدون اینکه هویت آنها مشخص باشد، آنان را بجوخا اعدام سپرده اند پیش از پیش ما هیت مجریان "عدل اسلامی" را در می یابند. و با زمی بیند که این جانیان برای کشتن بیشتر و ارتکاب جنایات فجیع تر دیگر اتهامات "مفسدین فی الارض" و "معارض با خدا" برایشان کافی نبوده و اینک اتهام "باغی" یعنی اقدام علیه "امام" و "ناایب امام" (بخوان علیه سلطنت) را اختراع کرده اند

## پرتاب بمب بسوی دکه داران زحمتکش به نقل از خبرنامه شماره ۸ گیلان

هشتمین شماره "خبر" ارگان خبری - سیاسی شایعه گیلان سا زمان منتشر شده که در زیر عین سوری از آن را می آوریم:

مزدوران حزب اللهی از چند ماه پیش مرتباً ما حیان دکه های واقع در باغ محتشم (پارک شهر) را تهدید می کردند که از بخش موسیقی خودداری کنند. لازم به توضیح است که ما حیان دکه که به کار فروش غذا از قبیل نان و بیج و جای اشتغال داشتند اقدام به بخش

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه زندان نابود باید گردد

# جنش گارگری



## اخراج کارگران همچنان ادامه دارد

نقل از خبر شماره ۸ ارگان سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران شاخه  
کیلان

در پی سیاستهای ضدکارگری رژیم  
مبنی بر اخراج و زندانی کردن کارگران  
مبارز، اکنون یکبار دیگر رژیم ضدکارگری  
جمهوری اسلامی دشمنی خود را با کارگران  
وزحمتگشان نشان داده است.

عده‌ای از کارگران زحمتکش شرکت  
انبارهای عمومی وابسته به گمرک را -  
بناظر خواسته‌های حقوقی و مزایا که با مخالفت  
کارفرما روبرو شده‌اند اخراج کرده است.

عده‌ای از کارگران این شرکت که بتازگی  
استخدام شده‌اند در سخت‌ترین شرایط کار  
بصورت روزمزد با حقوق ۳۰ تومان و بدون  
هیچگونه مزایای شغلی کار میکنند.

شرایط نابسامان خود اعتراف کرده و  
خواهتار رسمی شدن و اضافه شدن حقوق  
خود میشوند، که کارفرما با فرمای -  
شرکت مخالفت نموده و ۷ نفر از کارگران  
مبارز را به اتهام ایجاد اختلال در بین  
کارگران و "اعمال فدا انقلابی" اخراج  
کرده و میگوید برای ۷ نفر کار وجود  
ندارد. کارگران برای خنثی کردن توطئه  
اخراجی برای رسیدن به خواسته‌های خود به  
دادگاه انقلاب آستان را شکایت میکنند و  
خواستار رسیدگی به وضع خود میشوند.

در جلساتی که بین کارگران و کار  
فرما در دادگاه انقلاب تشکیل میشود  
دادگاه به اصطلاح انقلاب جانب کارفرما  
را گرفته و کارگران را به تعقیب از دستور  
کارفرما و امیدارد که کارگران میگویند  
ما به کار احتیاج داریم "ما زن و بچه داریم  
و برای مرا معاش خود را بدکاران نمی‌آوریم  
با ورنه باید بیا شد وضع ما را بررسی -  
نمائید، کارفرما به دروغ به آنها وعده  
میدهد و میگوید "حالا بروید هر وقت کار  
وجود داشت شما را صدا می‌کنیم". و این  
جاست که رژیم دشمنی خود را نسبت به  
کارگران آگاه و مبارز نشان میدهد و -  
کارگران را اخراج می‌کند و آنها هم بدون  
گرفتن نتیجه‌ای دادگاه انقلاب را ترک  
می‌کنند.

# تعویض مدیرعامل لیبرال در کارخانه کمپیدرو

نقل از اخبار آذربایجان - نشریه خبری - فرهنگی سازمان در آذربایجان

سیاستی که حزب جمهوری اسلامی از -  
مدتها پیش نسبت به لیبرالها در پیش  
گرفته است هدف نهایی تسخیر قدرت -  
سیاسی و خراب ساختن تمام مواضع حساس  
از جنگ لیبرالهاست. ما ادا می‌آیند  
سیاستها را در کارخانجات هم، یکی پس  
دیگری مشاهده میکنیم. اخیراً "حمیدی"  
مدیرعامل لیبرال کارخانه آتومبیلدرو را  
در اشرافها و کارکنانهای حزبیها -  
مجبور به استعفا گردید، حمیدی که نوکری  
و خدمتگزاری در آستان بورژوازی و در  
سرکوب کارگران سنگ تمام گذاشته بود  
جای خود را برای مدیرعامل مکتبی جدید  
"گربلانی" خالی کرد. مدیرعامل جدید -  
همان روزهای اول، ماهیت ضدکارگری  
اربابان مکتبی خود را در مخالفت با  
خواست اکثریت قاطع کارگران کمپیدرو  
یعنی بازگشت ۵ تن از کارگران مبارز  
اخراجی، بنمایش گذاشت. کارگران -  
کمپیدرو طوماری مبنی بر بازگشت رفقای  
مبارز خود بر سر کارشان تهیه و نظرسنجی  
را در این باره اعلام داشتند. کارگران -  
کمپیدرو یکبار دیگر اتحادی گسسته خود  
را احیاء و از ادامه واحد انترزی مبارزاتی  
در آنجاست بمنتهی ظهور رسانندند.  
حمیدی که به شدت مورد تنفر و نزار  
کارگران بود در طول تمام دوران نوکری  
خود، چون تمام سرمایه داران و دولت  
آنها، شعاعرتولید بیشتر مصرف کمترورد -

بدا ننده اقدامات فردی آنها چاره ساز  
مشکل مسکن نیست. تا زمانی که رژیم  
سرمایه داران کم است، مشکل مسکن به  
عنوان یکی از مشکلات زحمتگشان باقی  
خواهد ماند. اما کارگران در شرایط  
فعلی نمیتوانند با مشکل در شوراها و بسا  
ایجاد تعاونی مسکن که تحت نظارت کامل  
شورا واقع باشد، در جهت برآوردن این  
خواست خود مبارزه نموده و تا حدودی از  
سنگینی بار مشکل مسکن کم کنند.

# اخباری از خبرنامه صنایع دفاع

پنها

چند روز قبل یکی از کارکنان موتوری -  
شرکت به دلیل فشار رزینها و زندگی و  
سنگینی اجاره خانه اقدام به زدن چادر  
جلودر شرکت نمود و مدت ۳ روز همراه -  
خانواده خود در چادر زندگی کرد، اما تحت  
فشار رباتیها مجبور شد چادر خود را بسوزاند.  
چیند و دوباره به اجاره نشینی سپردا زد.  
این حرکت را میتوان عکس العملی جدی  
در برابر بربر آوردن شده نشدن یکی از خواسته‌های  
اساسی کارکنان یعنی مسکن دانست.  
بیش از دو سال میگذرد، دو سال -  
قبل چله وعده و وعیدها و فریبدهای که در مورد  
ما حیخانها شدن همه مردم به خوردتوده‌ها  
ندادند. هنوز شما را رژیم در مورد تامین  
مسکن برای همه درگوشه‌ها می‌پسچید! "تا  
۲ هفته دیگر همه ما حب خانه میشوند! و یا  
"خانه‌های خالی تا چند روز دیگر مملو  
میشود! و از این قبیل وعده‌های بی‌بوج  
اما اکنون پس از دو سال لایحه‌ای در مجلس  
به تصویب میرسد که حتی به ما لکین اجازه  
میدهد مستاجرین خود را هم از خانه‌ها  
بیرون کنند! اینست معنای واقعی تمام  
وعده‌ها که دولت‌های چامی سرمایه داران  
وزمینداران به توده‌ها میدهند.  
کارگران و زحمتگشان ما باید

## بازسازی کامل ضد اطلاعات

... رژیم جمهوری اسلامی که تا کنون  
سعی نموده با فریبکاری و دروغ پردازی و با  
تکیه بر توهن نموده‌ها به اهداف ضد انقلابی  
خود جا به عمل بیوشاند، درمانده از اوج -  
گیری بنا بر پایه توده‌ها هر چه بیشتر بسوی  
سرکوب آشکار و مبارزات آنان روی می‌آورد  
ایجاد جو خفقان و ترور و محو تمام آزادیهای  
دموکراتیک برای رسیدن به این مقصد  
رژیم ضروری است. برای اینکه رزیم جمهوری  
اسلامی به ارگانهای سرکوب هر روز بیشتر  
میشود و در نتیجه دست به اقداماتی جدی  
در این راه میزند. از جمله بازسازی کامل  
ضد اطلاعات در سطح ارتش و صنایع دفاع را  
بقیه در صفحه ۶

# افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



رفقای فدائی با سلام و درود باشا، تا ماه ام  
را که در واقع در دلد یک کارگزارانست چنین شروع  
میکنم. من حدود دوسال بود که به سندیکا  
برفتم و حتی در جلسات سخنرانی که معمولاً  
از طرف کارگران و با هیئت مدیره بود  
شرکت میکردم تا اینکه گفته شد کسانیکه  
عضو سندیکا نیستند حق آمدن به سندیکا  
را ندارند. با این ترتیب بود که من با اتفاق  
یکی از دوستانم که قبلاً کارم میکرد به  
سندیکا رفتم تا عضو شوم و قرار بود که او -  
معرف شود. یکی از اعضای هیئت مدیره -  
سندیکا اسموفا مبل مرا نوشت و یک قطعه  
عکس هم از من گرفت و سپس شروع کرد به  
سؤال کردن. سئوالات با این ترتیب بود  
که اسم کارخانه‌ها را می‌گفت که کار کرده‌ای چیست  
اسم اولین کارخانه‌ای که کار کردی چه بود  
محلش کجاست درش به کدما طرف بازمیشود  
چون این کارخانه‌ای که تونا میبیری دوتا  
در دارم. منم گفتم منکه همیشه از یک در-  
رفت و آمد میکردم بهر حال نمیدانم منظور  
شما کدام در است ضمناً "نا گفته نماند که  
بعد از یکی دو سئوال میگفت "مطمئن  
هستی که اسموفا میلت را درست گفته‌ای؟"  
آقا پشت ورقه عضویت ایشان بنویس  
که شناسنامه ندارد! (در حالیکه از هیچکس  
شناسنامه نمی‌گرفتند) بهر حال بر میگردم  
به اصل مطلب. بعد گفتم چه کسانها در آنجا  
کار میکردند چون آنجا چند کارگر معروف  
دارد منم نام آنها را زکارگران را -  
گفتم. وقتی که اسم یکی از کارگران را گفتم  
گفت جاق بود یا لاغر؟ چه شکلی است؟ او از-  
این حرفها غلامه افتد و پرسید که من گفتم چه میدانم  
مگر من اینقدر در مورد همدیگه می‌گویم کلبه  
بدا نم‌تواند آنها چه شکلی است در آن من الان  
بگسال است که در آنجا کار نمی‌کنم و تازه  
مگر من آمده‌ام امتحان پس بدهم یا عضو  
سندیکا شوم و اما ضمناً "که خجالت آور است از  
اینکه از کارگری هنگام عضو شدن در

سندیکا بیش چنین سئوالاتی میشود. همین  
امروز عده‌ای از کارگران ما را بیرون -  
کردند و من میخواستم که آنها را بیاورم -  
اینجا تا شکایت کنند ولی با این احوال  
شما چگونه میتوانید حق آنها را بگیرید شما  
شما که با من که دوسال است سندیکا می‌آیم  
اینگونه رفتار کنید. بنا بر این با آنها  
چگونه میخواستید رفتار کنید. از این  
گذشته آنها مگر چنین وضع را میدیدند  
ممکن بود که هرگز به سندیکا نیامدند که  
در این موقع اوورقه‌ای را که اسم مرا برای  
عضویت نوشته بود پاره کرد و گفت "آه! شما  
حق ندارید اینجا بیاید منم گفتم من حق  
ندارم؟ سندیکا مال من است اگر شما مرا  
از اینجا بیرون کنید من با زمی‌آیم. در  
این موقع یکی از افراد را دوست داشتم و  
اتفاق بود که گفتن بین میخواستی شروع بازی  
را بهیچاندازی گفتم بهر حال شما هر طور  
میتوانید قضاوت کنید ولی مرا از اینجا  
نمی‌توانید بیرون کنید. با لاف و دروغ  
اسم مرا نوشت و گفت با دیدن من به کارخانه  
ها می‌روم که من آمده‌ام تا ببینم که شما واقعا  
در آن کارخانه‌ها کار میکردید یا نه ضمناً  
سابقه کار شما از یکسال تا یکدوازده  
و گرنه بشما کارت نمیدهم. در حالیکه آنها  
میدانستند که من دوسال است به سندیکا  
می‌آیم. در دودل من زیاد است زیرا من  
نمیدانستم این ماجرا را به چه دلیل اتفاق  
افتاد ولی دوستم بمن گفت میدانی علت  
رفتار آنها چیست چون من قبلاً اکثریتیم  
بودم و الان نیستم و آنها هم میدانند عده‌ای  
از کارگران می‌آیند سندیکا را دیدم و ما جرات  
را برایشان تعریف کردم آنها بمن گفتند  
که تو باید وانمود کنی که اکثریتی هستی و گرنه آنها  
به تو کارت عضویت نمیدهند.

رفقای فدائی! این خائنین به طبقه  
کارگر را خیلی خوب می‌شناسم و حتی خیانت  
های آنها را هر روز با پوست و گوشت لمس  
می‌کنم. میدانم که آنها برای فریبمان  
حتی به چنین شیوه‌هایی نیز متوسل میشوند.  
چنانکه در عمل نیز ثابت کرده‌اند. بوجود  
آوردن چنین مجنه‌ها می‌تواند بین دلایل که  
نمیخواهند هیچ کارگر طرفدارسانی  
غیر از زمان خودشان را بپذیرند -  
برایم عادی بود ولی این خیانتکاران -  
با بدبختی منند که دیگر نمی‌توانند با نام  
فدائی برای خود کسب اعتبار کنند زیرا  
فدائی به طبقه کارگر پشت نمی‌کند، با بد  
بختی منند که کارگران اینرا میدانند که  
آنها در وفا داریه‌ها را در برزگشان حزب

نوده‌ها را از هیچکوشی خودداری نکردند  
و نیز بداند که روزی همه کارگران ایران  
(آنوقت که دیگر آنها نتوانند سندیکا را  
را بفریبند) آنها را همچون لاشه متعفن  
به زباله‌دان تاریخ خواهند فرستاد.  
رفقای فدائی! تا ماه ام بسیار طولانی  
شد که منم که در دودل من زیاد است از شما  
خواهش میکنم که برایتان مقدور است  
تا ماه ام مرا در کتاب کنید تا کارگران -  
چهره واقعی اینها را بشناسند. هر چند که  
با چاپ این نامه ممکن است هرگز مرا به  
سندیکا راه ندهند. موفق و پیروز باشید  
مدتهاست که اکثریتی‌ها اینجا راست  
بجایستند. از میان رزات نیز حق توهان،  
سازماندهی و مشکل کردن آنها علناً و  
بدون پرده پوشی است از جمهوری اسلامی  
و سرمایه‌داران را باینکه کرده‌اند. در مقابل  
اقدامات ضد دموکراتیک حاکمیت و سرکوب  
نیروهای مترقی به بهانه‌ها که کرده و نیروهای  
انقلابی را چپ‌رو و در صف ضد انقلاب  
نشان میدهند. به خلق کرد و ترسمن بست کردند  
کارگران و زحمتکش را در مقابل بیگانه‌ها،  
فقر و گرسنگی و کارهای "صبر انقلابی" و  
حمایت از سرمایه‌داران دعوت کردند  
در کارخانه‌ها به اعمال اجرائی استهای  
ضد کارگری مدیران و انجمنهای اسلامی  
تبدیل شدند. کارگران را به تولید بیشتر  
دعوت کردند و در مقابل اعتراضات آنان  
به حمایت از سرمایه‌داران برخاستند. در  
مواردی به تفتیش عقاید، جاسوسی و لودادن  
کارگران مترقی اقدام کردند. حال نیز  
برای پیشبرد مقاصد خود که منحرف کردن  
مبارزات کارگران، تفریق مبارزه طبقاتی  
و سازشکاری با سرمایه‌داران است میخواهد  
سندیکا‌ها را که کارگران دموکراتیک  
مبارزات کارگران هستند و هر کارگری  
با هر مسلک و دیدنولوژی با دیده آنها راه  
یا فتنه و مسائل و مشکلات خود را مطرح کنیم  
در نفوذ خود و سیاستهای سازشکارانه و  
رفرمیستی درآوردند. آنها از هر وسیله‌ای  
برای مجبوزگویی از جمهوری اسلامی و اشبات  
نوکر صفتی خود استفاده میکنند تا مگر  
حاکمیت فعلی به پیمودن راه رشد غیر  
سرمایه‌داران رخن دهد تا فلان اینک روی  
که کارگران آگاه شوند، آنها و تترهای  
آشتی طلبی‌شان را به زباله‌دان تاریخ  
خواهند فرستاد.

بقیه از صفحه ۵

### اخباری از خبرنامه صنایع دفاع

میتوان جزئی از این اقدامات دانست.  
اخیراً بخشنامه‌های خیلی محرمانه‌ای  
از سوی وزارت دفاع و نیز ستاد مشترک ارتش  
صادر شده و در آنها به بشر ما نه‌ترین و -  
آشکارترین وجهی با زسایضا اطلاعات  
مطرح شده است. در این بخشنامه‌ها که  
کپی‌های بخشنامه‌ها و اطلاعات رژیم  
شاه‌خانی است - حتی نقل و انتقالات افراد  
از یک قسمت به قسمت دیگر، ترفیحات  
و انتصابات را نیز با هم‌آهنگی‌ها اطلاعات  
میسردانسته است. شناسائی نیروهای  
مترقی به بهانه‌ها شیعه‌ها زوعامل بیگانه  
و همچنین "شناسائی پرسنلی که به انتقاد  
از روشها و خطاها و منی دولت می‌پردازد" جزو  
وظایف ضد اطلاعات می‌باشد...

## دستگیری کارگران شیلات به "اتهام" ایجادشورا

منحل اعلام میکند. همچنین پاسداران  
تعداد زیادی از کارگران مبارز را دستگیر  
میکنند. این کارگران در تاریخ اول -  
اردیبهشت بوسیله دادگاه ضد انقلاب -  
بوشهر به اتهام "ایجاد اغتشاش" به محاکمه  
کشیده شده و محکوم به زندان، اخراج، تبعید  
و... می‌شوند. ولی کارگران مبارز -  
شیلات از برای نشست و مباحثات خود را  
تا رسیدن به خواسته‌های برحقشان ادامه  
خواهند داد.

مدتها بود که کارگران شیلات شمال در  
فکر ایجاد شورای واقعی خود بودند ولی  
مدیریت ضد کارگری که بوجود آمدن شورا  
و انضامی حاکمیت جا برانه خود می‌دانست،  
بشدت از این امر جلوگیری کرد. با لاف و  
موقع‌تشکیل شورایی کارگران و  
مدیریت شیلات برخوردی پیش آمده و  
کارگران، مدیر شرکت را کتک می‌زنند.  
مدتی بعد سپاه پاسداران به محل شرکت  
رفت و ضمن غیرقانونی شمردن شورا، آن را

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"  
در کارخانه‌ها برچیده شود

# دربارهٔ اخراج کارگران و ضرورت مقابله و مقاومت در برابر آن

در جامعه سرمایه داری، یعنی در جامعه‌ای که سرمایه داران مالک کارخانه‌ها و زمین و ... هستند و استثمای رفردا زرفرد وجود دارد - قوانین حاکم بر این جامعه در جهت حفظ منافع سرمایه داران و پوششی برای بهره کشی و حشیا نه کارگران و زحمتکشان است. سرمایه داران برای مهار کردن مبارزات کارگران به شیوه‌ها و اشکال متنوعی متوسل میشوند یکی از این شیوه‌ها اینست که در مقابل با کارگران، اخراج است آنچه که گفته شد بسیار طبیعی است. اخراج سرمایه داران است. اما در شرایط کنونی که نظام سرمایه داری ایران در یک بحران رشدیابنده سیاسی - اقتصادی فرو رفته است. اوضاع اقتصادی هر روز بحرانی‌تر می‌شود. بیکاری و گرسنگی و آوارگی کارگران و زحمتکشان ابعاد عظیمی می‌یابد. سرمایه داران و دولت آنها یعنی رژیم جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با برخورد کننده بحران را بردوش کارگران بگذارد. در این شرایط زمانی که سوددهی سرمایه داران به دلیل بحران و خیم سیاسی - اقتصادی بخطر می‌افتد، آنها با کمک قانون فریب و سرکوب دست به اخراج کارگران و حتی تعطیل کارخانجات می‌زنند و از سوی دیگر کارگران در تمام می کارخانجات برای بهبود شرایط زندگی خود هر چه بیشتر به عمل انقلابی و مبارزه مشترک روی می‌آورند. رژیم جمهوری اسلامی از یک سو موجبات اخراج دسته جمعی کارگران را تحت عنوان "درصدی" و "موقت" فراهم می‌کند. این رژیم با استفاده از قانون کارشاهنشاهی مواد ۳۲ و ۳۳ این قانون کار را رتجا می‌دهد دست به اخراج دسته جمعی کارگران از کارخانجات و کارگاهها می‌زند و با تعطیل کارخانه‌ها بر شدت سه روزی و فقر در میان نا پذیرتوده کارگران می‌افزاید. از سوی دیگر خیم عظیم بیکاری و شرایط سخت زندگی آنها و خانواده‌هایشان و نیز عدم تشکیل ارتباط آنها با یکدیگر باعث آن می‌شود که کارگران برای استخدام با یکدیگر سه رقابت بپردازند. رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از این وضعیت آنرا بصورت چماقی در آورده است و همواره روی سر کارگران ننگ می‌داند تا بر محیط کاره قانون و نظم سرمایه داران اجاگم کند و بتواند هر چه بیشتر به استثمای رواج جاف کارگران بپردازد. بدین ترتیب این رژیم در مقابل او چگیری مبارزات کارگران برای تأمین خواسته‌های خود، متوسل به اخراج کارگران می‌شود. آنها می‌دانند که هزاران کارگر بیگانه مشتاق کار وجود ندارند که با محیط کار آشنا هستند و از تجربه کاری برخوردارند و برای مدتی می‌توان آنها را فریبست. آن رژیم جمهوری اسلامی مصمم و با برنامه منظم سرکوب جنبش کارگری را وسعت بخشیده است. در این

میان اخراج و دستگیری و زندان انداختن کارگران پیشرو و آگاه دردستور کار این رژیم است. در ادامه این مقاله ما در شکل اخراج کارگران را بررسی می‌کنیم و سپس به چگونگی مقاومت و مقابله با آن می‌پردازیم.

## اخراج دسته جمعی کارگران

رژیم جمهوری اسلامی با صدور بخشنامه‌ای در مهرماه ۵۹ به تمام مدیران کارخانجات دستور داد که می‌توانند عده‌ای از کارگران بیگانه را تحت عنوان "موقت"، "درصدی"، برای شش ماه استخدام کنند. در پایان شش ماه در صورت احتیاج دوباره قرار را تجدید نمایند. در غیر این صورت همه کارگران بدون قید و شرط اخراج می‌شوند. با این شیوه استخدام کارگران در بخش‌های زکا رت تحت عنوان کارگران روز مزد برای مدت ۳ ماه به کارگزاران شیوه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی به آن متوسل گشت، شیوه‌ای تازه در رژیمهای - سرمایه داری نیست. در جوامع سرمایه داری کارگران را به دو عنوان رسمی و موقت استخدام می‌کنند و بر اساس چنین دسته بندی گروه دوم جغافات بیشتری روا می‌دارند.

طرح کارگزاران موقت طرحی است ضد کارگری و سرمایه داران این تبعیض را آگاهانه‌ها من می‌زنند تا در مقابل اعتراضات کارگران از قدرت کنترل و سرکوب وسیع تری برخوردار باشند. سرمایه دار چه در بخش خصوصی چه در بخش دولتی وقتی به کارگر عنوان "موقت" می‌دهد به خود این حق را میدهد که او را از تمام مزایای محروم گرداند. قانون کار سرمایه داری - نیز به سرمایه داران این حق را می‌دهد که بتوانند با استفاده از این امر بر شدت استثمای کارگران بیافزایند. در واقع کارگر موقت از حداقل حقوق - حقوق ابتدائی صنعتی نیز برخوردار نیست. مثلاً کارگر موقت بیمه نیست، روزها جمعاً حقوق نمی‌گیرند. مرخصی استحقاقی ندارد و غیره. بعلاوه اخراج این دسته از کارگران بسیار آسانتر است. و از سوی دیگر سرمایه داران با این شیوه دیوار می‌بین کارگران موقت و سایر کارگران می‌کشند و به کمک این قانون ضد کارگری بین صفوف طبقه کارگر شکاف می‌اندازند. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از اخراج دسته جمعی کارگران موقت در کارخانجات می‌پردازیم. در - کارخانجات ایران ناسیونال چندی قبل حدود ۸۰۰ نفر از کارگران را تحت عنوان "درصدی" اخراج کردند. در کارخانه‌های مدیران کارخانه دست به اخراج عده‌ای از - کارگران "درصدی" زد که مقابله و مقاومت کارگران ناکام شد.

در کارخانجات ارجعه‌های زکا رت کارگران موقت را به عنوان ما ز ادیرا احتیاج اخراج کردند. در حالی که در همان زمان عده‌ای را تحت نظارت انجمن اسلامی استخدام نمودند. در برق منطقه‌ای با اخراج ۹۰۰ نفر از کارگران موقت بر فقر و سیه روزی - کارگران افزوده شد. در کارخانجات تولیدی گروهی از کارگران را به عنوان روزمزد اخراج کردند. در کارخانه قند نیشابور عده‌ای از کارگران را تحت عنوان "درصدی" اخراج کردند. ۲۰ نفر از کارگران کارخانه فرش در قاشم شهر به عنوان کارگر موقت اخراج گردیدند. در کارخانه‌ها دارو بخش مدیریت کارخانه دست به اخراج عده‌ای از کارگران روزمزد. رژیم جمهوری اسلامی با انحلال شرکت فولاد اهورا چندین هزار کارگر را بیگانه کرد و بنا اخراج پیش از ۱۵۰۰ کارگر شرکت ملی ساختمان - میزان فقر و سیه روزی کارگران افزود. از سوی دیگر در اغلب واحدهای تولیدی تهدید به اخراج کارگران در ابعاد گسترده‌ای داده دارد.

## اخراج کارگران پیشرو آگاه

با او چگیری و گسترش مبارزات کارگران و نا توانی رژیم جمهوری اسلامی در تأمین حداقل خواسته‌های خود، کارگران رژیم چاره‌ای جز سرکوب مبارزات کارگران ندارند. بدیهی است نقش و اهمیت کارگران پیشرو و مبارزان را زمانه‌ها بت مبارزات کارگران، رژیم ایران میدانند که به نحو لجام گسیخته‌ای دست به اخراج و دستگیری و زندانی کردن این کارگران زند. این شیوه سرکوب در مورد مبارزان موقت - اعتماد کارگران که در جهت منافع حقوق واقعی کارگران اقدام می‌کنند نیز بکار گرفته می‌شود. در مقابل کارگران نیز در مبارزات مشترک آبدیده می‌شوند. جنبش همبستگی و اتحادیکبار چه روز بروز وسعت می‌گیرد و در مقابل رژیم دست به دفاع فعال و سازمان یافته می‌زنند. نمونه‌های بسیار نشانگر ما هیت سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی است. در کارخانه ایران پوپلین زمانی که کارگران از اخراج ۸ تن از همکارانشان مطلع می‌شوند، دسته جمعی به طرف در ورودی کارخانه رفته و اخراجیها را بدرون کارخانه می‌آورند. آنها اعلام می‌کنند تا زمانی که حکم اخراج لغو نگردد، مدیر حق ورود بیگانه‌ها را ندارد و در پی آن با سداران به کارگران بورس می‌آورد. یکی از مبارزان کارگران را دستگیر می‌کنند، اما کارگران با اتحاد یکبار چه نما بنده خود را از چنگ سداران آزاد می‌کنند. صبح روز بعد سداران کارخانه را اشغال کرده، ۲۲ نفر از کارگران، بقیه در صفحه ۸

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و ...)  
**هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم**

## درباره اخراج کارگران...

بقیه از صفحه ۷

را اخراج می کنند. در کارخانه شیرپا ستو - ریزه شهد در پی اعتراض به افزایش ساعات کارمندی و تن آزار کارگران اخراج می کنند. کارگران دست به اعتصاب می زنند. تدبیر عامل از ترس کارگران فرار می کند اما بیورش با سداران و زاهدان می همراهی باشد. اشغال کارخانه، با ضرب و شتم کارگران - عده ای زکا رگران را دستگیر می کنند. در کارخانه نوری - او - واک کارگران در پی اعتراض به اخراج عده ای دست به اعتصاب ده روزه می زنند. در ماشین سازی آراک کارگران با تهدید به اعتصاب - نیما بنده خراسی خود را به سرکار بر می گردانند. در کارخانه نجات ایران تاسیسات در پی اعتصاب قدرتمند کارگران رژیم جمهوری اسلامی دست به اخراج ۱۲ نفر از کارگران می زند که با اعتراض روبرو می شود و عده ای به سرکار می گردند. در کارخانه نجات ارجا سداران با هدایت انجمن اسلامی چند تن از کارگران آگاه را دستگیر و زندان می اندازند. در گروه صنعتی کفش ملی در پی مبارزات کارگران حدود ۴ نفر از نمایندگان شورا و کارگران آگاه و میا رز دستگیر و روانه زندان و سپس اخراج می گردند. در کارخانه نجات تولیدات انجمن اسلامی شیوه "ساواک" تاکنون عده ای زکا رگران را از کارخانه اخراج کرده است. در کارخانه نجات ساپا، در پی اخراج مدیر عامل ضد کارگران که به دست کارگران، حدود ۴ نفر از کارکنان دستگیر و روانه زندان شده و عده ای دیگر از کارگران اخراج شده اند. در صنعت نفت رژیم نمایندگان نفتگران جنگرده را به زندانهای طویل المدت محکوم کرده است و نمایندگان شورای چیزی لاولان را از کار برکنار کرده و نمایندگان و نفتگران - آگاه و پیشروپا لاینگاه شیراز را نیز در پی او جگیری می رزانشان اخراج نموده است. بعد از اخراج کارگران هر لحظه گسترده تر می شود. ضرورت سازمان دادن مقاومت در برابر آن و افشای هر چه گسترده تر این اعمال ضد کارگری هر دم اهمیت بیشتری می یابد. مقاومت و مقابله در مقابل اخراج کارگران دقیقاً "به اندازه مقابل به سارکوب شوراها اهمیت دارد. زیرا سرکوب و نابود کردن شوراها یکی از راه های بدون اخراج و تهدید به اعقاب کارگران پیشرو و نمایندگان موردا اعتقاد کارگران امکان پذیر نیست.

## گونه مبارزه مشترک و مقاومت فعال را سازماندهی کنیم؟

۱- کمتر کارگری است که در دوره کارش آخر چشود و با بقول معروف اخراج شیری است که در خانه هر کارگری در رژیم سرما به - دار می خوابد. با تبلیغ در این راستا حس همدی همبستگی در بین کارگران افزایش یابد. هر با تلاش آگاهانه، ضرورت درک شکل و ماهی و مبارزه مشترک را بطور

گسترده بین توده کارگران تبلیغ نمایم. ۲- با تبلیغ و ترویج حول همبستگی تمام کارگران در مبارزه مشترک و ضرورت درک حرکت یکپارچه و گسترده کارگران در سرسار کارخانه نجات حس تعاون و اتحاد را در بین کارگران فزونی بخشیم و توضیح دهیم که با پشتوانه اتحاد تشکلهای واقعی کارگران یعنی شوراها یا نقلابی در این مبارزه می توان پیروزی را در مقابل سرمایه داران و دولت آنها تضمین کرد. و در همین رابطه با توضیح داد که سرنوشت بیگانه را با سرنوشت تمامی کارگران عین است. و بزرگترین خطر در شرایط کنونی، سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی از خیل عظیم بیگاران در جهت استثمار و اجاف توده کارگران است.

۳- از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی بسا استناد به مواد ۲۲ و ۲۳ قانون کسب و کارها هشتمی موجبات اخراج کارگران را فراهم می کند، ضمن اینکه افشای بر علیه قانون کاریک و وظیفه همبستگی است را در رابطه با اخراج باید یادآوری نمود. ماده را هر چه بیشتر در بین توده کارگران مطرح نمود و حول آن به افشای پرداخت.

۴- با افشای طرح سرمایه دارانسه کارگران با موقت باید دیوارها را فروریخت بین کارگران و موقت و ثابت را فروریخت و با پیشبرد مبارزه مشترک کارگران رسمی و موقت همراه و همدوش با هم در مقابل این قوانین ضد کارگری و سرکوبگرانه ایستاد. هر چند باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که در مقابل سرمایه کارگران رسمی کارگران موقت به واسطه کارشان از ظرفیت، تشکل پذیری کمتری برخوردارند. و بگیری قدرت مقابلشان در برابر قوانین ضد کارگری ضعیف تر است.

۵- با بد ضرورت مبارزه مشترک سازمان یافته را حول شوراها یا نقلابی، پیش پیش تبلیغ نمود. در صورت عدم حضور یک شورای نقلابی با بستن مبارزه در مقابل اخراج یا هر مسئله دیگری با ضرورت ایجاد تشکلهای واقعی پیوند زد. در این رابطه برای بسیج کارگران از تاکتیک متنوعی می توان بهره گرفت. این تاکتیک ها از اعتراض جمعی تا تشکل مجمع عمومی تا اعتصاب و... را در شرایط مقتضی بکار گرفت. اما کارگران پیشرو باید در پیشبرد امر مبارزه با دقت توازن نیروها در کارخانه نظرفیت بسیج و تحرک مبارزاتی کارگران، شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و روحیات توده کارگران را ارزیابی کنند.

۶- برای مقابله با سیاست اخراج مسئله تشکل فوق العاده ای پیدا می کنند. کارگران پیشرو و آگاه باید بکوشند حتی الامکان اکثر توده کارگران را بدور - آمنتشکل سازند و این صندوق باقی ماند حتی المقدور کمتر پنهان باشد. (لنین) - چه با بد کرد اما بدیهی است که با بد مراعات پنهان نگاری جنبه های منبتی مسئله را مورد نظر داشت. و از سوی دیگر کارگران با بد مبارزه بی مان، شدید و بگیری را از زمان ازتهای پیدا می شد آن جهت برسمیت شناختن آن آغاز کنند. زیرا تضمین فعالیت این گونه تشکلهای از ابتدائی ترین حقوق کارگران است.

## پنجه در پنجه

### "شیطان بزرق" یادست در دست امپریالیسم

رادبوکلن خبر می دهد که محمود احمد زاده نماینده ایران در هیئت مدیره شرکت کروپ "مانع از اجرای برنامه های هیئت رئیسه کروپ برای اخراج ۵ هزار نفر از مجموع ۴۰ هزار کارگر ایران کارخانه شده است." احمد زاده توضیح داد که چون بنا بر "ایدئولوژی ما" (یعنی اسلام) سرنوشت انسانها مهمتر از مصالح اقتصادی است. نماینده ایران به نفع کارگران رای داد.

همه می دانند که سرمایه داران در راه حفظ و گسترش منافع خود جز ایدئولوژی سود، ایدئولوژی دیگری ندارند و این هم معلوم است که نماینده ایران فقط یکی از اعضای هیئت مدیره کروپ است. پس از این توافق میان رژیم جمهوری اسلامی و شرکت ورشکسته کروپ چیست؟

به دنبال سفر قبلی احمد زاده به آلمان با وجودی که معلوم بود اعلام شده بود که سهام ایران در شرکت کروپ فقط یک درصد در سال سود دارد. ایران تصمیم گرفت سهام خود را که توسط رژیم شاه برای نجات کروپ خریداری شده بود حفظ کند. همکاری میان ایران و کروپ و سایر موسسات آلمانی گسترش یافته. برای تحقق این همکاری است که مصادق طباطبائی بارها با مقامات آلمانی مذاکره داشته است (منتهمی مطابقی معمول تاکنون هیچ چیز در مورد مفاد این مذاکرات اعلام نشده است.) با این مقدمات باید منتظر باشیم.

بزودی از طریق خبرگزاری های امپریالیستی که بیشتر از مردم ایران به امور مملکت "محرم" هستند، خبر دهند که قرارداد های عظیمی از نوع قرارداد تالوت بسته شده که سرمایه داران کروپ از شوق آن بردارنده اند. والا، در حالی که هزاران کارگر توسط رژیم جمهوری اسلامی از کار اخراج میشوند، چگونه است که ایدئولوژی اسلامی در رژیم کفار "امپریالیست" اعجاز می کند و از اخراج کارگران جلوگیری می شود؟

کارگران با بدیهه کمک روابط شناخته شده در میان خود برای تقویت هر چه بیشتر این گونه تشکلهای بکوشند. حس اعتماد بین همکاران همبستگی را میان کارگران گسترش دهند. نگذارند رژیم با ایجاد تاسیساتی خفلی و فشارهای ناشی از بیگاری و بسا اخراج دسته جمعی و اخراج کارگران پیشرو نمایان زکا رگران را فرو نشانند و روحیه رزمنده آنان را درهم شکنند.

۷- برای مقابله با تعطیل کارخانه نجات و اخراج کارگران، تشکل هیئت های تحقیق ضروری است و ما در مقاله ای در گذشت به این مسئله پرداخته ایم. اگر چه کارگران برای منا فرورز مره خود با بد مبارزه مستمر و بگیری را بر علیه سرمایه داران و دولت آنها به پیش برند و در هر بقیه در صفحه ۱۵





# هشدار

## به اعضا و هواداران "اکثریت" جناح راست

اینک ما در لحظاتی دور انسا ز قرار گرفتن ایم، اینک پیش از پیش صفوف خلق و ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب روشن میگردد اینک رژیم جمهوری اسلامی در مقابل مبارزات او جگر برنده خلق دست به سرکوبی و حشمانه زده است. هر روزها عداوت فاشیستی با ندهای میانه را در سرا سر کشور می بینیم. کشتار جوانان انقلابی، کسوف کردن، قطع دست و پا، ترور و سب، همه و همه هر روزها در هر گوشه کشور تکرار میشود. رژیم که از مبارزات خلق و نیروهای انقلابی به وحشت افتاده است دست به اعدا مهملات و حشمانه ایزده است. سعید سلطان پور، این فدا شق خلق را به جرم "سوء سابقه" اعدا کرده است. محسن باطل اینک انقلابی دلیر، این همزدم خلق فلسطین را به جرم انقلابی بودن اعدا کرده است. جوانان ۱۳ و ۱۴ ساله به جرم شرکت در مبارزات توده ها، به جرم وفاداری به آرمان خلق اعدا شده اند. رژیم صفوف نظامی هر کسندگان را بیخون می کشد. تنها در یکروز ۵۰۰ تن را کشتار میکند. صفوف کارگران رزمنده شهر صومالی را به رگبار می بندد. رژیم سرکوب و کشتار خلق کرد را تشدید کرده و اینک بیش از پیش زاکت و سب و گلوله بر سر آنان می بارد. در پناه تمامی این سرکوبیها و کشتارهای فاشیستی رژیم با سرعوت و صفت تا بدین تمام می آید. رژیم خورده سیستم وابستگی را با زاری می کند. مذاکرات پنهانی ملی در نیویورک، آزاد کردن مفتضحانه گروگانها، خریدهای تبلیغاتی سرسام آور از مهربانان لیستها و از گره جنوبی، قرار دادن اهل یمنگین با تالیبوت و کرکوب و ... نزدیکی هر چه سریعتر به مهربانان لیستهای اروپائی و ژاپنی، قرار دادن مجتمع پترو-شیمی با ژاپن، مذاکرات پنهانی با آمریکا و عقد قراردادها با سارت بار از جمله قرارداد تبلیغاتی و ... همه و همه بیباک نگرسیاستهای ضد خلقی رژیم و حمایت او از سرما به داران و زمینداران است. تمامی این سیاستها در خدمت امپریالیسم و سرما به داران وابسته قرار دارد. حمایت سران مزدور ارتش از رژیم بخوبی پنهان نگارین مثالهاست. از سوی دیگر توده های خلق روز بروز بیشتر به ما هیت ضد مردمی رژیم پی برده به قتل رزه روی می آورند. اینک دیگر مبارزات خلق با رژیم منحصر به کردستان و ترکمن صحرا نیست. اینک تمامی شهرها یکبارچه شور و مبارزه است. خلق در مقابل سرکوب و کشتار به تنگ آمده است در مقابل رژیم صف آرای می کنند.

دوستان! در مقطعی تاریخی، در لحظاتی دور انسا و در نقطه عطفی از جنبش خلقهای ایران قرار داریم. اینک بر هر مبارز، هر رزمنده و هر فردی صادق است که

بتوانند سرکوب و نیروهای انقلابی را به پیش برده کشتار و ترور دیگری، حتی سازشکاران نیز خواهد پرداخت. جمله به میزبانی ما از زمان شما، بستن دفتر و نشریات "حزب توده" سخنرانی و تهدیدهای لاجوردی و سایر جلادان رژیم به روشنی این را نشان میدهد که ثبوت بعدی از آن شماست.

دوستان! اینک تن دادن به دستورات تشکیلات سرا با خیانت اکثریت (جناح راست) خیانت به خلق است. مبارزات توده ها بیپایان است. تمامی نیروی خود را در خدمت خلق قرار دهید. آن شرکت در نهاد های سرکوبگر و همکاری با آنان بپرهیزید.

ما وظیفه خود را ندانیم که در این شرایط بحرانی با رهبر شما هشدار دهیم و از شما بخواهیم هرگونه تردید و دودلی، هرگونه پشت کردن به مبارزات خلق، هرگونه تردید در ما هیت ضد خلقی رژیم را بکنار بگذارید و بدانید که این تردیدها و دودلیها خیانتی است به توده ها که تاریخ از آن به زشتی یاد خواهد کرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۲/ تیر ماه ۱۳۶۰

## دروغ باید بزرگ باشد، امانه به این بزرگی!!

آیت الله خمینی چندی پیش در ارتباط با اعتراض های گسترده نسبت به شکنجه در زندانها گفته بود: آنها (مخالفتان) خودشان را داغ می کنند تا چهره اسلام را مخدوش کنند!

ها می رفسنجانی پس از جمله اسرائیل به تاسیسات اتمی حومه بغداد گفته بود: رژیم عراق در تاسیسات آمریکا از اسرائیل خواستگاری که به نیروگاهها پیش حمله کند که بتواند اعلام کند اسرائیل و ایران علیه عراق متحده شده اند!

فرماندار قوچان در اطلاعیه ای به مناسبت آتش زدن دفترها هنگی در قوچان می گوید: دفترها هنگی مسئول آتش زدن دفترها هنگی است!

روزنامه جمهوری اسلامی روز ۱۴ خرداد، به "ملت ایران" هشدار می دهد که "پارهای از گروهها مصمم اند به دفاع خود حمله کنند!" (معلوم نیست برای کدام گروه و حزب دفترها زبا قسی گذاشته اند.)

گوبلر وزیر تبلیغات هیتلر میگفت دروغ با بداندان بزرگی با شده مردم ناچار آن را باور کنند، اما اگر سرور زنده بود به مردم مداران رژیم سلامتی می گفت:

دروغ باید بزرگ باشد، امانه به این بزرگی!!

بیش از پیش چشم های خود را بگشاید و راه خود را آگاهانه انتخاب کند. کمی فکر کنید، کمی به میان توده ها بروید. توده ها اینک در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و هر آنکس که در کنار آن قرار دارد، قرار گرفته اند. توده ها اینک سیاستهای رهبران شما را مورد تصحیح قرار می دهند. از توده ها بیباک موزید توده ها را باور کنید. بدانید که این سیاستها سرکوبگرانه حمایت از سرما به داران و زمینداران با زاری سیستم وابستگی و نزدیک تر شدن هر چه سریعتر به امپریالیسم نه سیاست یک جناح با یک عده و گروه از رژیم، بلکه سیاست و مبنی تمامی این رژیم ضد خلقی است.

رهبران شما خیانتکارند، رهبران شما با بورژوازی و رژیم حامی آن دست بیعت داده اند. تجربیات تاریخی را به خاطر آورید، تاریخ "حزب توده" را فراموشی خود قرار دهید. ببینید که چگونه دلوریها و جانبازی های هواداران و اعضای صادق آن آلت دست رهبران خائن و سیاستهای فرصت طلبانه و سازشکارانه آنها شده و در تاریخ نام خیانت بر خود گرفت. ببینید چگونه جانبازیهای وارطانها، روزبه ها و مشیریها ملایم، دست رهبران خائن "حزب" شد. اینک فرصتی برای دودلی و تردید نیست. دوره بیشتر وجود ندارد. با درکنار انقلاب و با در مقابل آن، با در مقابل خلق با در مقابل آن، راه وسطی نیست. نمیتوان خلق و ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب، کار و سرما به را با یکدیگر اشتی داد.

## دوستان! هواداران و اعضا سازمان "اکثریت" جناح راست

اینک که رژیم جمهوری اسلامی با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه خود دست به کشتار و ترور و حشمانه زده است، اینک که توده ها روز بروز بیشتر در مقابل این سیاستهای سرکوبگرانه قرار می گیرند، رهبران خائن شما با رهبر با آغوش سیاستهای سازشکارانه شما را به زیر پرچم سرکوبگران خلق فراموشی خوانند. از شما میخواهند که در آنگاه نهی سرکوب رژیم مثبت نام کنند و در مقابل توده ها قرار گیرید. از شما میخواهند با کمیته ها و پاسداران همکاری کنید و آنها را در سرکوب جنبش خلق یاری رسانید. آنان در کشتارها و سرکوبیهای رژیم شرکت میکنند و این لکه ننگ را بر دامن شما نیز نهاده اند. اما بدانید این رژیم حتی به سازشکاران نیز رحم نخواهد کرد. هدف این رژیم برقراری سیاست سرکوب و ترور و سب است و در این راه مسلم است هرگاه

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# ضرورت مقابله با باندهای سیاه

ما در شماره های قبیل در مقاله "باندهای سیاه" به بررسی زمینه های پیدایش این دستجات سرکوبگر پرداختیم. اینک به اوجگیری جنبش توده ها شاهدیم چگونه رژیم به سازماندهی و وسعت بخشیدن به عملیات سرکوبگری نه حزب الله پرداخته است. دیگر تنها می شهرا جولانگاه باندهای سیاه است. اگر قبلاً رژیم سعی داشت دست خود را در پشت پرده پنهان دارد و حمایت سازماندهی باندهای سیاه را انکار می کرد اینک علناً و وقتیها نه به حمایت و پشتیبانی از این دستجات پرداخته است. دیگر او با شمشیر مشکله در باندهای سیاه علناً به سلاحهای گرم مسلند و به شکلی وقتیها نه، با پشتیبانی مستقیم با سداران و کمیته چپها به سرکوب و کشتار می پردازد. توده ها مورد شدیدترین تعرض قرار دارند. حملات حزب الله و دموکراتیسم در محیط قرق حزب الله هر کسی مورد تعرض است. تفتیش بدنی و کیف گری صورت امری عادی در آمده است. اینک نیز نه فقط نیروهای مترقی بلکه هر شخصی معترضی و مشکوکسی مورد تهاجم وحشیانه قرار دارد. حضور حزب الله حتی امنیت سخن گفتن را نیز از بین می برد. ضرب و شتم وحشیانه و ترور صحنه های است که هر روز شاهد آنیم. دستجات او با شمشیر چون سگان شکاری به سر سوز می کشند، کتک می زنند، کتا بفروشی ها را با تش می کشند، دختران را مورد حمله قرار میدهند... تنها گوشه ای از جنایات وحشیانه حزب الله است. مهمترین نکته آنست که نیروهای انقلابی باید بدستی درک کنند اینست که بکارگیری باندهای سیاه یکی از شیوه های سرکوب بورژوازی است، و در نتیجه باید آن به مقابله برخاست. درست همانگونه که با هر شیوه سرکوب دیگری نیز مقابله می کرد - هرگونه کمبها دادن به مبارزه علیه باندهای سیاه تنها و تنها به معنی عدم درک مبارزه طبقاتی و اشکال متنوع آن و نشانه ای است از اهورتونیسیم. کمببترن در این رابطه بدستی می گوید "کمبها دادن به مبارزه - علیه ترور - تمام اشکال این مبارزه - از قبیل مبارزه سیاسی توده ای برای دفاع از حزب و سازمانهای انقلابی، اقدامات تشکیلاتی برای حفظ امنیت سازمانهای حزبی، مبارزه همه جانبه علیه تحریکات - بدون تردید نشانه بقای سردرگمی ناشی از گرایشهای سوسیال - دموکراتیک جناحهای حزبی است" (از رهنمودهای کمببترن درباره تلفیق کار مخفی و علنی) (منظور از سوسیال دموکراتیک همان سوسیال رفرمیسم است) بهر رو مقابله با ترور و سیاه و دستجات سرکوبگر و سوسه متفا و تدا در که به بررسی دووجه عمده آن

می پردازیم.  
۱ - حفظ تشکیلات: همانگونه که کمببترن تصریحاً رد یکی از وجوه مبارزه با ترور سیاه - اقدامات تشکیلاتی برای "حفظ و امنیت سازمانهای حزبی" است و این نکته ای است که هرگونه کمبها دادن به آن موجب ضرباتی که ریه تشکیلات مبارز می گردد. رعایت صحیح اصول ایمنی و مخفی کاری و جلوگیری از هرگونه رابطه محفلی، لازمه مقابله تشکیلاتی با ترور سیاه و شرط تداوم و بقای تشکیلات در چنین شرایطی است. اساس این کمبها دادن به اهمیت مبارزه با ترور و اتخاذ تدابیر روشهای کار مخفی در سازمانهای حزبی ناشی از عدم اعتقاد به نقش دولت بورژوازی به عنوان "بزار سرکوب و خشونت طبقاتی" و در مقابل ستانها، قانون پرستی و اعتقاد به کار علنی است (همانجا) اما باید بدستی درک کرد که هرگونه مخفی کاری نیز - هر چند کاملاً و شدید - قادر

حضور حزب الله معنی امنیت سخنان نیز از بین می برد. ضرب و شتم وحشیانه و ترور صحنه های است که هر روز شاهد آنیم. دستجات او با شمشیر چون سگان شکاری به سر سوز می کشند، کتک می زنند، کتا بفروشی ها را با تش می کشند، دختران را مورد حمله قرار میدهند... تنها گوشه ای از جنایات وحشیانه حزب الله است.

نیست تشکیلات مبارز را از زربه خوردن - مصون دارد. هیچ تشکیلاتی که در حال مبارزه - ونه بی عمل - باشد از زربه خوردن - مبری نیست و در اینجا است که ترمیم شبکه سازمانها با افراد جدید، افراد آموزش دیده و... طرح می گردد. در شرایط حاکمیت ترور سیاه، در شرایط جولان باندهای او با شمشیر، تسریع در پرورش کادر به شکل یکی از اصول لازم الاجرا در می آید. به قول کمببترن در شرایط ترور و خفقان - "در اختیار داشتن ذخیره معینی از کادرها برای ما نور بطور دائمی ضروری می باشد" (همانجا)

۲ - اوجگیری پرورش باندهای سیاه و عملیات وحشیانه آن توده ها و وسیعاً در مقابل آن قرار میدهد. باندهای سیاه - مورد تهاجم و تفرق و سوسیال ز مردم قرار می گیرند. این در این مورد می گوید "امروز تعداد دفرا بنده ای از مردم وجود دارد که با تمام "طرحها" حتی هرگونه ای - شده انقلابی، کاملاً بیگانه اند. ولی با این وجود هنگامیکه ستمگرها و شرانهای - پلیس، قزاقها، و باندهای سیاه را بر علیه شهروندان غیر مسلح (بیدفاع) - مشا هده می کنند، ضرورت یک مقابله مبارزه

مسلحانه را می بینند و احساس میکنند هیچ راه دیگری وجود ندارد، تنها می گذرند راهها بسته شده اند. هیچکس نمیتواند از آنجا امروزه در روسیه اتفاق می افتد برای نگیخته (تحریک) نشود" (لنینسن - باندهای سیاه و سازماندهی قیام). بخوبی روشن و مسلم است توده ها وسیعاً که در مقابل باندهای سیاه قرار می گیرند همگی با ایده های انقلابی آشنا نیستند بلکه توده ها فقط در اثر مشا هده و خشنگری ترور و کشتار، ضرب و شتم و زبرپرا نهان می گردند و چاره های "قانونی" از سوی باندهای سیاه است که در مقابل آن قرار می گیرند.

توده ها زمانی که می بینند دختران بسی دفاع مورد وحشیانه ترین یورشهای حزب - الله قرار می گیرند، کتک می خورند، لباس بر تنشان پار می شود، مورد کشتیف ترین اعمال قرار می گیرند، زمانی که می بینند فروشندگان نشربه برای احتی در جلوی چشمان کشته میشوند، زمانی که حزب الله در روز - روشن دکه ها را ویران می کند، توده ها می تظا هر کسند را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و هر نهایت نیز با سلاحهای گسری خود مبارزین را ترور میکنند بدستی حزب الله را دشمن منافع خود و در مقابل خود می بینند. توده ها هنگامیکه هر روز خود را در معرض تفتیش بدنی، اهانست کتک خوردن، اعمال فشا روحی در خطر ترور می بینند، بیش از پیش کینه ای عمیق نسبت به باندهای سیاه در آنان می جوشد. توده ها که در مقابل تمامی این یورشها خود را بیدفاع و غیر مسلح می یابند با گوشت و پوست خود ضرورت بکارگیری قهر در مورد حزب الله و باندهای سیاه را لمس می کنند. در هنگام حملات حزب الله به اعتراضات، تظا هرات، بحث های خیابانی، دکه ها، به حالات وواکنشهای توده ها با دقت کینیده خوبی در می یابید که چگونه مردم با خشم و نفرت بی پایان به حزب الله و حزب اللهی ها برخورد میکنند. در چنین شرایطی می توان بیشترین حمایت توده ای را در مقابله با باندهای سیاه جلب نمود.

در این رابطه میتوان نمونه های بسیاری را مثال زد. برای روشن تر شدن مساله به بررسی مساله باندهای سیاه و شیوه های مقابله با آن در ترکیه می پردازیم. ترکیه نمونه بسیار جالبی از نظرس گسترده گسی سازمانها فتنگی باندهای سیاه و مقابله نیروهای مترقی و انقلابی آن است. حزب فاشیستی جنبش ملیت چی حرکت ارتشی، به رهبری السب - ارسلان تورکش رهبری تمامی باندهای سیاه در ترکیه را بعهده دارد. الی ارسلان بقیه در صفحه ۱۱

## ترور شکنجه زندان، حربه غارتگران



## ضرورت مقابله با باندهای سیاه

باندهای سیاه حرکت می‌کنند. این افراد را در کارخانجات و محلات مورد شناسایی قرار داده، با صبر و مهارت سعی در آگاه نمودن آنان می‌نمایند و بدین طریق پائین ترین قشر باندهای سیاه را که مهمترین عامل شرکت آنان در دستجات فاشیستی، ناآگاه می‌است تحلیل می‌برند.

۲ - اعمال قهر انقلابی - نیروهای انقلابی عملیات منظمی را جهت درهم کوبیدن تشکیلات باندهای سیاه برنامهریزی نموده و به پیش می‌برند که از آنجمله میتوان - حمله به مراکز تجمع، مراکز تصمیم گیری، جلسات و یا تفریحی‌ها یا این مزدوران و ترور رهبران آنان را نام برد.

بکارگیری قهر انقلابی در رابطه با باندهای سیاه به ویژه در شکل ترور انقلابی نمایان میگردد. لنین در سخنرانیهای خود در کنفرانس دوم انترناسیونال در سال ۱۹۲۰ به نقد نظرات انحرافی کریسیپین که "شکار اخط سیاسی جناح راست حزب مستقل سوسیال دموکرات را بیان می‌کند" می‌پردازد و در رابطه با بکارگیری قهر انقلابی می‌گوید "کریسیپین در باره ترور و قهر چه می‌گوید؟ او گفته است که اینها دو چیز جداگانه اند. چنین تمایزها باید در یک درستی ما معاشنا می‌توانیم با شد ولی در سیاست عملی مخصوصاً در شرایط آلمان، نمیتوان چنین تمایزی قایل شد. ما مجبوریم در برابر کسی که ما ننسود افسران آلمانی پلیگنشت و والوکزامبروک را به قتل می‌رسانند، یا در برابر افرادی چون اشتینز و کروپ که مطبوعات را می‌خرند به قهر و ترور متوسل شویم. البته لزومی ندارد از قبل اعلام کنیم که قطعاً "به ترور متوسل خواهیم شد ما اگر افسران آلمانی و... هم بنظر که هستند ما ننسود... قبول به ترور اجتناب نپذیرخواهیم بود".

(لنین مجموعه سخنرانیها در کنفرانسهای انترناسیونال کمونیستی) (تا کیداز - ماست) بخوبی روشن است که لنین در سیاست عملی وجه مشخص بکارگیری قهر در رابطه با باندهای سیاه و تروریست ها و... را ترور رزبایی می‌کند.

ترور در مقابل باندهای سیاه، بکارگیری قهر در مقابل دستجات اوپاش و بهر روشی که بگیری و سازماندهی قهر انقلابی و عمدتاً "ترور سرخ مری است که از سوی حاکمیت به توده ها تحمیل می‌گردد. این رژیم ها هستند که با قرار دادن اوپاش مسلح در مقابل توده های بی دفاع و نیروهای انقلابی غیر مسلح ضرورت بکارگیری قهر انقلابی و شکل دادن ترور سرخ را در این مقطع بوجود می‌آورند. در حقیقت این خود هیئت حاکمه است که جنگ داخلی را به مردم تحمیل می‌کند. این واقعیت دارد که "ولگردان، افراد شرور و... نیستند"

بقیه از صفحه ۱۰

ترورکش رئیس سازمان امنیت ترکیه (میت) پس از کودتای سال ۱۹۲۱ بود. این حزب کانون اجتماع سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ است. این حزب فاشیست با رویانی مذهبی و انا غه نظریات نژادپرستانه این ترکیسم مظهر یک حزب فاشیست مذهبی معتقد به برتری نژاد - ملی مذهبی است. حزب "جنش ملی داری - تشکیلات علمی گسترده است از جمله در سندیکا های زرد کارگری قدرت قابل توجهی را در راست - پایگاه توده های این حزب در میان دهقانان میانه حال، خرده مالکین روستا، خرده بورژوازی میانه شهری، عناصر آگاه خرده بورژوازی فقیر می‌باشد و تعداد بسیار زیادی از لومین ها را نیز در خود مجتمع نموده است. شعارهای اصلی این حزب فاشیستی علاوه بر شعارهای نژادپرستانه از شعار "نه آمریکا نه روسیه ترکیه ای آزاد و مستقل" تشکیل می‌شود. و در این رابطه نیروهای سه جبهه نیکیز عملاً "حمایت فعالی از این حزب فاشیستی به عمل می‌آورند."

اوباشان و جماع بدست حزب الهی مزدورانی هستند که بمنظور ایجاد جوهر ارباب و خفقان، مقابله با توده ها و روحیه رزمنده آنها از سوی رژیم ضد انقلابی حاکم سازماندهی شده اند. امروز دیگر با بد بر هر کسی ماهیت این باندهای تروریست جناحیتکا و ضرورت مقابله جدی با آنها آشکار شده باشد.

حزب "جنش ملی" با استفاده از تمامی تشکیلات و پایگاه توده ای خود به سازماندهی وسیعی در رابطه با باندهای سیاه دست زده است. این حزب عملیات و حسیانه تروریستی را برنامهریزی کرده و به پیش می‌برد که از آنجمله میتوان - حمله به مراکز تجمع نیروهای مترقی و انقلابی از جمله قهوه خانه ها، باشگاهها، سینماها، مراکز خلقی، ترور نیروها و رهبران انقلابی، ترور کارگران مترقی و انقلابی و حمله به منازل نیروهای مترقی، حملات بسیار وسیع به کتابفروشیها، کتاب سوزان، ترور نویسندگان و هنرمندان - انقلابی و... را نام برد.

در مقابله با این حزب فاشیستی و باندهای سیاه نیروهای مترقی و انقلابی دست به اعمال وسیعی زده اند که بر رسی مختصری از آن بسیار آموخته است. در وهله اول نیروهای انقلابی با سوجدوی از تشکیلات کارگری و محلی خود به انجام یک شناسایی دقیق و کامل در رابطه با اعضای باندهای سیاه و رهبران آنها دست زده اند. انقلابیون منازل و مشخصات تمام این مزدوران و همچنین محلات تجمع و جلسات آنان را بخوبی شناسایی کرده اند. در رابطه با مبارزه و سرکوب این نیروهای سرکوبگر نیز عملیات وسیعی از سوی نیروهای انقلابی به پیش برده می‌شود که عمدتاً "از دو بخش تشکیل می‌گردد. ۱ - فعالیت آگاهانه انقلابیون از سوی در جهت آگاه کردن پائین ترین عناصر

استخدام دولت در میان بندگان، در جنبه دفاع و احوالی بحثها می‌وروزد و با تحادیه آسوا با زندگی در باره خیانت و ابلهان بودن طرفداران زقیام، در باره زبانبار بودن سازماندهی دفاع از خود... اکنون نه صرفاً "ابتدال گرابی سیاسی غیر عادی یا تا شاید توکراسی... است بلکه علاوه بر آن دال بر ضعف و ناتوانی گردانندگان بی اراده و متزلزل آسوا با زندگی نیز می‌باشد... (لنین)

شکل گیری سازماندهی قهر انقلابی و از آنجمله ترور سرخ از سوی دیگر به تعیین هر چه بیشتر صفوف انقلاب و ضد انقلاب - باری میرساند. زیرا دیگر در شرایط کنونی رژیم سرکوبگر اینچنین نیروهای مسلح خود را در مقابل توده ها قرار داده است. "هیچکس نمیتواند به جنگ و انقلاب نیا نندیشد و هر آنکس که برانگیخته شده است، هر آنکس که می‌اندیشد و هر کس که ذینفع است، مجبور است که با این با آن - اردوگاه و مسلح می‌شوند (در این اوضاع و احوال) بر غم اینگونه رفتار شما گاملا" - مسالمت آمیز و بصورتی که "محتاطانه"

بکارگیری قهر در مقابل دستجات اوپاش و بهر روشی که بگیری و سازماندهی قهر انقلابی و عمدتاً "ترور سرخ مری است که از سوی حاکمیت به توده ها تحمیل می‌گردد. این رژیم ها هستند که با قرار دادن اوپاش مسلح در مقابل توده های بی دفاع و نیروهای انقلابی غیر مسلح ضرورت بکارگیری قهر انقلابی و شکل دادن ترور سرخ را در این مقطع به مردم

و قانونی باشد، ممکن است مورد ضرب و شتم شدید واقع شوید، نقض عضویت کرده و پسا کشته شوید. انقلاب بی طرف نمی‌شود اکنون دیگر شعله های مبارزه زبانباندها کشته" اکنون در شرایطی که نیروهای آلمان میان انقلاب و ضد انقلاب درجا مع ما در جریان است، در شرایطی که آشکارا علی جنش توده ای این گزیر و با بقول لنین "محتمل ترین" است و وقوع یک قیام جدید محتمل است، حرکت عملی در جهت سازماندهی مقابله با باندهای سیاه موسوم به حزب الهی بصورت یک ضرورت مبرم در آمده است. اوباشان و جماع بدستان - حزب الهی مزدورانی هستند که بمنظور ایجاد جوهر ارباب و خفقان، مقابله با توده ها و روحیه رزمنده آنها از سوی رژیم ضد انقلابی حاکم سازماندهی شده اند. امروز دیگر با بد بر هر کسی ماهیت این باندهای تروریست جناحیتکا و ضرورت مقابله جدی با آنها آشکار شده است. توده های یوسیج - مردم نه تنها از این دست های اوپاش و مزدور متشنفرد، و در هر لحظه شاهد جناحیتهای فجیع آنها هستند، بلکه در بسیار موارد خود به مقابله جوشی با آنها بر می‌خیزند

از اینجا است وظیفه ای که یک سازمان رزمنده و انقلابی در جهت نابودی و درهم کوبیدن باندهای سیاه، در جهت بالابردن روحیه رزمنده توده ها و بی سازمان کردن سازمان های تروریستی دشمن بر عهده دارد. این امر نه تنها از ضرورت مبارزه با زوات توده ها بقیه در صفحه ۱۲

## آزادی سیاسی شورای انقلابی، شعار زحمکشان



## اعتراض مادران زحمتکش به اخراج فرزندان خود

دربی اخراج چندتن از دانش آموزان مدرسه را هنما شیخمس تبریزی بر وجه والدین آنها در مقابل آموزش و پرورش کرده ام. یکی از مادران می گفت: "هیچکس حق ندارد دانش آموزی را اخراج کند و اگر کسی ضدا نقلا بیست خود شما (مسئولان آموزش و پرورش) هستید". شروع کرده دادن شما مرگ برای آمریکا، مرگ بر سر ارتجاع، مدیر مدرسه که در آنجا حضور داشت از مادر زحمتکش روستای پرسید "ارتجاع یعنی چه" او در جواب گفت "ارتجاع یعنی اینکه گروهکها را به پرورایم و مردم را سرکوب کنیم، اگر کسی حرف زده او به کوشیم ضدا نقلا ب". مدیر گفت "من آنها را بیرون کرده ام، خوب کرده ام، چون نوشته اند مرگ برپا سدار، با ساری که در جبهه برای من و تومی جنگد"، یکی دیگر از مادران در جواب مدیر گفت: "اگر جنگ برای ما بود، در این هشت ماه چیزی گیرمان می آمد، البته چیزهایی که برای ما آمده است مثل گران، بیگاری، قحطی، مردن جوانها، یمن جنگ برای این است که بهشتی بیشتر بخورد با عدم". این تجمع با شعارهای مرگ برای آمریکا، مرگ بر ارتجاع، معلم، محمل، پیوندتان مبارک، تحفیه مدارس به همت توده ها آلفاء با بد کردید. برای چند روز ادامه داشت.

## تهاجم مجدد جمهوری اسلامی به زحمتکشان 'کاخک'

در جریان این تهاجم ۱۸۰ نفر دستگیر شده اند که ۷۰ نفر آنها از نیروهای انقلابی می باشند و تنها جرم آنان کمک به سیل زدگان است. در همین رابطه هواداران سازمان در مشهد اعلامیه ای منتشر کرده و ضمن شرح ماجرا نوشته اند: "در چنین شرایطی برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه و ضد مردمی حاکمیت سرمایه با بدبختی بیگناهان هر چه فشرده تر در اینجا دشوارهای واقعی آزادی زندانیان مبارز کاخک و سایر مناطقی بکوشیم و تروور، شکنجه، خفگان و سرکوب جمهوری اسلامی را افشا کنیم".

هنوز مدت زیادی از حوادث کاخک که منجر به شهید شدن پنج نفر از زحمتکشان کاخک بدست پاسداران سرمایه گردید، نگذشته که با ردیکر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی تهاجم خود را به زحمتکشان این شهر آغاز کرده است. در تاریخ بیست و پنج اردیبهشت حدود ۷۰۰ پاسدار تحت نام کمک به سیل زدگان!! شهرستان کاخک را در محاصره خود گرفته و عملاً حکومت نظامی برقرار می کنند. آنکه وحشیانه به خانه های مردم هجوم برده و دستگیری میانی شهر که قبلاً توسط مزدورهای محلی شنا سانی شده بودند، می بردا زند.

## گردهمائی معلمان بر وجود

اخراج معلمان - اخراج معلم نما های ساواکی و ستاخیزی - توقفا استفاده می رویه در آدامه این مراسم اعلامیه های پشتیبانی کاخک معلمان و معلمان شاغل قراشت می شد که چما قداران و پاسداران به محل مراسم هجوم آوردند و ضمن تاراج کردن بیلگا ردها، معلمان اخراجی و والدین آنها را مضروب و مجروح کردند. البته وقتی که هنوز سپاه مستقیم "مداخله نکرده بود، فالانزه ها از معلمان کمک ففطلی خوردند. لازم به تذکر است که در بی این گردهم آئی و هجوم او با شان و پاسداران به آن، دورتا دورا آموزش و پرورش را دیوار بند کشیده و درب آهنی گذاشته اند، تا منبمید معلمان نتوانند مراسم و تجمعی برگزار کنند.

گردهم آئی معلمان اخراجی بر وجه مردم هجوم و وحشیانه فالانزه ها و پاسداران واقع شد. روز دوشنبه ۱۸/۲/۶۰ از سوی کمیته هماهنگی معلمان اخراجی و آماده به خدمت و دانشسرای راهنما شو مقدماتی مراسم با حضور وابستگان معلمان برگزار شد. در این گردهم آئی سخنرانیهائی توسط معلمان اخراجی و چندتن از مادران آنها نیز ایراد شد. یکی از مادران در قسمتی از سخنانش ضمن بر شمردن شرایط سخت زندگی اظهار داشت: "تا آخرین قطره خون مبارزه خواهیم کرد تا فرزندانم و فرزندانم را در رسیدن به حق شان یاری دهیم". یکی از معلمان اخراجی نیز طی سخنانی خواسته های معلمان را بدین ترتیب بر شمرد:

- ۱ - بازگشت به کار بدون قید و شرط
- ۲ - افتنای هیئت به اصطلاح پاکسازی و عدالت

## کودتای ۲۸ مرداد سیلی اسلام بود یا سیلی آمریکا؟

آیت الله خمینی طی سخنرانی ۲۵ خرداد به بهانه حمله به جبهه ورشکسته ملی معدوق جبهه ملی و اقمی را که در ۱۳۳۲ عرش به سر آمد، نیز مورد حمله شدید قرار داد و حتی با مراحتی بیش از گذشته از کودتای شکنجین ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق حمایت کرد. وی در این سخنرانی گفت: "جبهه ملی یک گروهی (است) از اول باطل بوده است... وقتی مرحوم آیت الله می دانم... وقتی مرحوم آیت الله کاشانی دید که اینها (مصدق و جبهه ملی) دارند خلاف می کنند، صحبت کرد. اینها کاری کردند که یک سگی را نزدیک مجلس عینک بهش زدند و سمش را آیت الله گذاشته بودند... من عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست این دولت (مصدق) سیلی خواهد خورد و طولی نکشد که سیلی خورد (یعنی کودتای ۲۸ مرداد درخ داد) و اگر مانده بود سیلی را بر اسلام می زد". آیت الله خمینی می دانند که مفهوم این سخنان، تا شید کودتای شکنجین ۲۸ مرداد است که موجب استقرار مجدد حکومت دیکتاتورانه، استقرار همه جانبه سلطه میربا لیم و سرمایه داری وابسته و سرکوب توده های مردم ایران شد؟

## ضرورت مقابله با باندهای سیاه

داهیانه لنینیو با استناد به تجارب جهانی جمع بندی کنیم میتوان گفت:

- ۱ - در مقابل بیورش باندها سیاه اقدامات تشکیلاتی و ویژه ای برای حفظ امنیت سازمانها و حزبی "لزوم می آید که هرگونه گونا هدی ریکا رگیری یمن اقدامات ریشه در فر فر میسوم تو هم نسبت به مبارزات قانونی خواهد داشت.
- ۲ - در مقابل بیورش بیامان باندهای سیاه توده های وسیعی در مقابل آن قرار می گیرند و در این رابطه جو سیاه رمناسی جهت جلب حمایت وسیع توده ای در مقابل باندهای سیاه بوجود می آید.
- ۳ - در رابطه با بکارگیری باندهای سیاه و اعمال قهر ضدا نقلا بی زسوی رژیم (به این طریق) بکارگیری سرمایه زماندهی قهر ضدا نقلا بی ضرورت می آید بدون تنها پیشا شد. بلکه توده های وسیعی از مردم نیز به این ضرورت پی میبرند.
- ۴ - بکارگیری قهر ضدا نقلا بی در مقابل باندهای سیاه به ویژه شکل ترور و سرخورد میگرد.
- ۵ - این اعمال قهر ضدا نقلا بی که مکاتبه جنگ داخلی نیز بدل خواهد شد امری است که توسط رژیمها و بورژوازی و سازماندهندگان باندهای سیاه به توده ها و نیروهای انقلابی تحمیل میگردد.
- ۶ - شکل گیری این مقابله با باندهای سیاه به تعیین صفا انقلاب و ضدا نقلا بی و سمتگیری دمقتر نیروهای موجود در سطح جامعه کمک شایانی می نماید.

ناشی میگردند بلکه همچنین وظیفه ای عملی در جهت تدارک قیام محسوب می شود. زیرا اگر نیروهای انقلابی بدین امر معترف هستند، که انقلاب نیمه کاره و تکمیل نشده ای مانده است و از این رو تا زمانی که معتقد نشده اند، انقلاب با تکست قطعی روبرو شده و رگوه سیاهی بر جنبش حاکم گشته است بقول لنین با بدتدارک قیام مجدد را به صورت امر ضروری و فوری در دستور کار خود قرار دهند، و به آموزش سازمان دهی جوخه های رزمی با "گروههای نبرد" به بردا زند. یکی از وظایف این جوخه های رزمی نیز در جنبش شرایط مبارزه، مقابله جدی با باندهای سیاه است. رفیق استالین بر نقش این "گروههای نبرد" علیه باندهای سیاه تاکید کرده و یکی از مهم ترین وظایف آنها را مبارزه ای با باندهای سیاه می نامد. پشتیبانی نیروهای مسلح رژیم سنی در ارتاب مردم و ایجاد دعوینا مساعد برای جنبش انقلابی دارند به شما می آید.

بهریور هرگاه به خواهم نشو به مقابله با باندهای سیاه و تروور است های یکبار گرفته شده از سوی رژیم، دستجات او باش و چاقو کشان و... را بر طبق رهنمودهای

# از میان اعلامیه ها و نشریات شهرستانها

## تهاجم مزدوران رژیم به بساط ها و نمایشگاههای نیروهای انقلابی در مشهد

از روز چهارشنبه ۶۰/۳/۱۳ خسان - دانشگاه مسیحا مدحلات سازمان بافنه و جمه خانه مزدوران جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی است. خسان توسط پاسداران، بسیجی ها و پلیس مری شده است. این خیابان بعد از سه شدن دانشگاهها به مکانی آگاه گرانه تبدیل شد و از این رو همچون خاری در چشم حاکمیت بود. باندهای سیاه رژیم گاه و بی گاه به بساط ها و نمایشگاه های افکار گرانه نیروهای انقلابی یورش می آوردند. ولی از روز ۶۰/۳/۱۳ این یورشها وسیع و مداوم شده است. مقاومت نیروهای انقلابی و مردم حامی آنها نیز هر روز جبران دارد.

تاکنون تعداد زیادی دستگیر و مذبذب شده اند. هواداران سازمان در مشهد، در اطلاعیه ای که با عنوان "به مقابله با دستگیری، شکنجه و ترور سرخیزیم و از دست آورد های قیام دفاع کنیم" انتشار داده اند، ضمن افتاء، تهاجمات ضد انقلابی و وحشیانه رژیم زحمتکشان و نیروهای انقلابی را نکند کرده اند که: "مردم مبارز به یاری نیروهای انقلابی بیایند و نگذارید که با رد بگر رژیم جمهوری اسلامی خفقان و ترور را حاکم کند. با تجمع خود در خیابان دانشگاه و حمایت فعالان ساز نیروهای انقلابی انقلاب را تداوم بخشیم."



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز  
سال اول شماره ۱ - شماره ۱۳۶۰ - ۱۲ مهر ۱۳۶۰

اولین شماره "خروش"، نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شیراز منتشر شد. رفقا در سبزه نشین خود ضمن ارائه تحلیلی از عملکردهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و عمق سیاسی بحران و همچنین رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان در رابطه با ضرورت انتشار نشریه می نویسند: "با چنین درستی از اهمیت بحران سیاسی - اجتماعی موجود است که ما نیز در حد توان خود مبارزات بسط انتشار خبرنا مه ای در سطح استان نمودیم. خبرنا مه ای که بحثها به آئینه ای باشد که مبارزات توده ها در سطح استان را منعکس کرده و با بیان مبارزات موجود در گوشه و کنار شهر و استان تجارب این مبارزات را در اختیار دیگر زحمتکشان قرار دهد.

اولین شماره نشریه خروش حاوی گزارشاتی از مبارزات کارکنان پالایشگاه شیراز و صنایع الکترونیکی، حمله پاسداران سرما به کارکنان جنگ زده صنعت نفت، غارت مسافرین جاده فسا کشتار کشتاورزان منطقه تا مرادی توسط فتوئال کودتای ... می باشد.

### بازهم تخریب خانه های زحمتکشان

چهارمین شماره اخبار آذربایجان نشریه خبری - فرهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران منتشر شد. در این شماره مقاله مفصلی در رابطه با فعالیت معاضل ارتجاعی در آذربایجان چاپ شده است. همچنین نشریه حاوی اخبار متعددی از مبارزات کارگران و زحمتکشان آذربایجان می باشد. در قسمتی از این نشریه تحت عنوان "بازهم تخریب خانه های زحمتکشان" قسمتی از اعلامیه رفقای اردبیل درج شده که در این بیان اعلامیه آمده است: رژیم جمهوری اسلامی "در ادامه سیاست ضد انقلابی و ضد مردمی خود، زحمتکشان را از ابتدائی ترین حقوق خود، یعنی داشتن سرپناه محروم نمود و تا نرا از خانه و کاشانه، غنود آوازه می کند. رژیم جمهوری اسلامی به دنبال تخریب خانه ها و آلتونکهای زحمتکشان "خاک سفید"، "گرمدره کرج" و "عنقال زنیال و ممبورا باد تریبیزو" ... چندی پیش برای تخریب خانه های زحمتکشان "بلوک آباد" روبروی شرکت ملی نفت اقدام نمود که چون با مقاومت صاحبان خانه که با عرق جبین، این سرپناه ها را برای خانواده های خویش ساخته بودند مواجه شد، ۱۳ نفر از آنان را دستگیر و زندانی نموده و تعدادی از خانه ها را بوسیله لودر با خاک یکسان نمود.

بهت و سوسین شماره، ایامنی استار، - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سیستان و بلوچستان در

### اخراج دسته جمعی ۲۳۸ تن از کارگران شرکت مانا

در پی شایعاتی که از مدت ها قبل مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران شرکت مانا وجود داشت، چندی قبل جلسه ای با حضور نماینده شرکت مانا، نمایندگان دانشگاه بلوچستان (میرحسینی، دکستر کامیاب)، نماینده اداره کار، نماینده سپاه پاسداران تشکیل شده و تصمیم به اخراج ۲۳۸ نفر از کارگران شرکت می گیرند. در این تفضیه کارگرانی که سابقه مبارزاتی داشته و بیش از ۴۰ نفر بودند، اخراج شدند. ... روز سه شنبه ۶۰/۳/۲ کارگران هنگام میکه قصد ورود به شرکت را داشتند با زانداران روبرو گشته و متوجه شدند که درب ورودی شرکت را قفل زده اند، وقتی که کارگران نسبت به این مسئله اعتراض نموده و توضیح خواستند، فرمانده زاندارانها آنها

### درود بر شهدای ۲۲ خرداد "املش"

صبح جمعه ۲۲ خرداد بر اساس یک اتحاد عمل با حفظ شماره های انقلابی بیسن هواداران سازمان و هواداران مجاهدین خلق در املش از شهرهای استان گیلان، راهپیمایی با شرکت مدها شن بر علیه سیاست سرکوب و اختناق حزب جمهوری اسلامی آغاز گشت. بعد از پیوستن توده های وسیع مردم به صفوف تظاهرات کنندگان، پاسداران و افراد بسیج وحشیانه به جمعیت حمله ور شده و راه پیمایان را به رکباز می بیندند. در جریان این درگیری دانش آموز فدائی ماریسا کاظمی به شهادت رسیده و یک دانش آموز انقلابی بنام شرف با زیار در زیر مشت و لگدمان ساداران شهید میگردد. دانش آموز

دیگری نیز به علت شدت جراحات وارده به تهران انتقال داده می شود. پاسداران با زور سر نیزه اجساد شهدا را دزدیده و به خاک می سپارند تا بزعم خود از او جگری - مبارزات مردم جلوگیری کنند. در رودسر مردم زحمتکش که برای دادن خون به زخمیهای جلوی بیمارستان گرد آمده بودند با پاسداران و حزب الهی هادریک شده که دامنه آن به محله جاقیبر و جلومقبر پاسداران کشیده می شود. در این درگیری - ها نیز ۳ تن زخمی می گردند. در روستای جلاراس از توابع املش زحمتکشان روستایی بعنوان اعتراض به این حرکت سرکوبگرانه و وحشیانه راهپیمایی با تکه های ترتیب میدهند و یکی از پاسداران را بکشت - مذبذب می کنند. روز بعد یعنی شنبه ۲۳ خرداد در ساعت غیبه ظاهر نیز بر اساس یک اتحاد عمل دیگر بین هواداران سازمان و بنفیه در صفحه ۱۵

# اطلاعیه امور مالی سازمان

با ردیکر برآ مدجنشش بوده ای  
اوج واحیای مجدد مبارزات  
توده ای و چشم انداز گسترش  
آن ، لزوم حضور هر چه  
فعالتر سوا زمان را در صحنه  
مبارزات توده ها و تلاش  
هر چه فزاینده تری را جهت  
رهبری و هدایت آن بسوی  
تحقق آرمانهای انقلابی  
کارگران و زحمتکشان ضروری  
میسازد .

در چنین شرایطی بایستی  
حضور تبلیغی مداوم داشت و  
مرتب و منظم با اعلامیه ها ،  
تراکتها ، پوسترها و سایر  
غیا با آنها ضرورت داشت تا ماهیت  
واقعی رژیم فدا خلقی را به  
توده ها شناساند ، اما آنچه که  
اکنون ( و تصور میکنم )  
بدرجات متفاوتی همیشه و تا  
ساختمان سوسیالیسم بردوش  
ما همه انقلابیون سنگینی  
میکند کمبود امکانات است .

درست است که ما می بایستی  
به شیوه های انقلابی این  
مشکل را حل کنیم و واقعیت  
آنستکه تجربه بیش از یکدهه  
مبارزه ، جای هیچگونه  
ابهامی را در توسل به چنین  
شیوه هایی در کارمان باقی  
نمی گذارد . اما وجه دیگر  
مسئله و راه حل دیگران ( نه  
تنها برای سازمان ما بلکه  
بویژه در جنبش کمونیستی )  
اهمیت دارد ، اتکاء به نیرو و  
وامکانات لایزال توده ها  
است که هرگز و در هیچ شرایطی  
جاگزینی نداشته و ندارد .

ایمان داریم که رفقا  
و هواداران بویژه کارگران  
وزحمتکشان با درک صحیح  
از شرایط پس متمسکول و  
شورا نگیز کنونی با دست  
بازیدن با اقدام مستقیم و  
انقلابی و حضور فعال در صحنه  
مبارزه سیاسی ، حمایت  
مادی و معنوی خود را هر چه  
گسترده تر و وسیع تر سازند  
و با ارسال امکاناتشان  
سازمان را در امر پیشبرد  
مبارزه انقلابی با ری رسانند



۶۲۲	رفقای لاهیجان	۲۰۲	ف
رفقای لاهیجان	۲۰۲	ف	ن
۲۰۲	۲۲۲ (کوپن)	۱۱۲۲	ب
۲۰۰۰ ریال	رفقای نهاوند	۱۵۰۰	پ
۴۰۰۰ ریال	۲۰۰۰ ریال	۱۵۰۰	ع
۵۰۰۰ ریال	۲۲۲	۱۵۰۰	م
۱۰۰۰ ریال	۱۱۱۱	۵۰۰	بی
۴۰۰	رفقای آستانه		
۲۲۲	اشرفیه		
۱۱۱۱	۶۲۲		
۱۱۱۱	۲۲۰۰ ریال		
۲۰۰۰	فومن و رودسر		
۲۰۰۰ ریال	۲۰۰۰ ریال		
۲۰۰۱	بهاره ۲۰۰۱		
۱۱۰۹	بوئین ۲۵۰ ریال		
۱۰۳۷	ج - ۱۰۵۵		
۸۲۲	رفقای خمیران		
۲۰۰۱	۱۰۰۰		
۱۱۰۹	۲۲۲۲		
۱۰۳۷	الف ۵۱۰		
۱۵۰۱۸۸	رفیق ۲۰۴ امانت		
۲۲۲۲	شماره ۱۰۱۴		
۲۹۷۲	دانش آموزان رشت		
۱۱۱۱	م - ۲۰۱۳		
۳۶۰۰	م - ۱۰۱۴		
رفقای ارومیه	رفقای اصفهان		
۶۰۰	ق ۱۲۲۲		
۱۱۰۰	ف ۵۱۰۰		
۱۰۰۰۰	ک ۱۲۲۲		
کارمندان پیشگام	چ ۶۲۰۰		
۳۷۰۰۰	ل ۳۹۱۷		
رفقای دانش -	ش ۶۰		
آموز ۲۵۰۰	ش ۲۱۰۰		
بدون کد ۲۰۰۰	ف ۱۵۱۰۰		
م - ج ۱۰۰۰	م - پ ۱۰۰۰		
ج ۲۱۶۲	ی ۶۱۱		
ح ۴۱۱	م ۲۲۲۲		
م ۲۰۰۵	ر ۱۳۱۱		
ج ۱۲۲۲	ز ۵۱۵۹		
بدون کد ۱۵۰۰	س - ۱۰۵۸۷		
ی ۲۴۰۰	ح ۶۰		
ص ۲۵۰۰	رفقای آذربایجان		
ه ۲۲۷۷	رفقای تبریز		
کارگران هوادار	ش ۸۲۲۲		
۱۰۰۰۰	ث ۳۲۲۲		
ه ۱۶۰۲	س ۱۱۶۰		
ز ۸۱۶	الف ۱۱۲۷		
ح ۹۰۲	الف ۱۱۲۲		
رفقای سلیمان	منیزه ۱۲۵۰		
۱۰۰۰۰	س - س ۳۰۹۹		
هواداران سازمان	رفیق ۱۳۲۲ امانت		
درست -	شماره میانه		
م ۱۶۰۰	آبوش ۶۰۰۰		
ح ۱۴۶۷	د ۲۹۹۹		
ح ۱۸۶۷	رفقای مغان شهر		
س ۱۰۰۰۷	م ۱۱۹۲		
رفقای کاشان	م ۲۱۱۱		
۲۶۲	ف ۲۱۱۱		
۲۶۲	رفقای گرمی دشت		
۲۶۵	مغان		
۲۶۶	۶۵۰۰		
۱۲۵	۱۴۵۱		
۲۲۲	رفقای خوزستان		
۱۶۲	ر ۵۰۷		
۲۱۰	ق ۵۲۰۰		
۲۱۶	ه ۲۱۰۰		
۱۱۱	سرباز - ۱۰۰۱		
۱۲۴	ب ۵۲۶۹		
۱۳۵	ع ۲۰۰۵		
۲۲۷	بابک ۷۱۲		
	- ۳۷۲۲		
	- ۵۲۲۲		
	- ۱۷۲۲		
	- ۳۱۱۱		
	- ۲۱۱۲		
	- ۲۱۱۲		
	- ۲۱۱۱		
	- ۵۱۱۱		
	- ۱۳۲۲		
	- ۱۰۰۲		
	- ۱۱۱۳۹		
	- ۱۱۷۰		
	ع جای فروش		
	۵۰۱		

رفیق اعظم ۱۲۰ ریال	ع	الف
هواداران دزفول	۱۳۷۶	۵۰۰۰
۳۵۰۰ ریال	۱۷۰۷	۲۱۱۸
رفقای دکه داره ۲۰۰۰	۱۱۰۰	۱۲۲۲
رفقای همدان ۶۰۰۰	۱۳۲۱	۶۵۰
پرسنل انقلابی هوادار	۵۰۲۳	۲۱۲۶
۲۰۰۰ ریال	ف	۱۳۰۰
رفقای دکه دار ۱۱۱۱	۵۹۰	۲۰۲۵
مجمع آموزشی شهرتیا	۲۹۱	ب
۱۵۰۰ ریال	۵۹۹۹	۱۰۰۶۰
رفقای هند مطالب	ق	۲۱۰۰
شماره رسید	۵۳۲۱	۱۱۰۰
رفقای شیراز	۲۲۲۲	۳۹۹۹
۱۵۱۱۵	۵۰۱۱۱	۲۲۲۲
۱۰۰۲	ک	۲۲۲۲
۹۰۰	ر - ب ۱۰۰ ریال	۲۱۲۲
م - پیشگام داراب	۳۰۷۶	۲۱۲۵
۸۰۰	۵۰۷	ت
آریا کوپن رسید	۱۱۱۱	۶۱۷
رفقای خراسان	۱۰۶۱	۱۰۱۱۲
م - ص ۵۸۸	ل	۵۰۰۱۱
ی ۳۱۱	ج	۱۲۲۲
۵۷۵۷	م	۵۳۸۱
ج - ج ۲۵ کوپن	۵۱۱۲	۱۰۳۲۳
رسید	۱۱۰۰	ج
محمدحسین حقنواز	۱۶۲۲	۲۶۷۸
۱۰۰۰۰	ب ۱۲۵	۱۲۲۱
۱۱۱۱	ج ۱۲۲۲	۱۳۲۵
ذ - کولنتای	رفیق پیام	۲۳۱۶
۴۰۰۰	الف ۵۱۶ (کوپن)	۳۳۲۲
۲۰۰۰	ج ۹۷۷ (دو کوپن)	۵۹۱۸
۱۰۰۰	ش ۹۷۸ (کوپن)	۵۵۲۲
۲۶۷۲	رفیق راننده از	۱۳۲۲
۱۳۸۸	شهرک ولیعصر	۳۰۰
رفقای خوزستان	(کوپن)	ن
ر ۵۰۷	رفقای لرستان	۲۰۷۶
ق ۵۲۰۰	رفقای خرم آباد	۱۰۰۰
ه ۲۱۰۰	الف ۲۸۰۸	۵۰۱۸
سرباز - ۱۰۰۱	ع ۵۱۵	۲۱۰۵
ب ۵۲۶۹	ف ۱۹۹۹	۶۰
ع ۲۰۰۵	ع ۱۵۲۵	۲۶۱۲
بابک ۷۱۲	ع ۲۵۵۵	۲۱۲۲
- ۳۷۲۲	ف ۱۸۶ کوپن	۵۵۷۲
- ۵۲۲۲	رفقای بروجرد	۵۰۲۸۲
- ۱۷۲۲	ک ۳۱۲۲	۲۲۲۲
- ۳۱۱۱	رفقای گوشه گانه	ه
- ۲۱۱۲	۴۵۰۰	۲۷۵۰
- ۲۱۱۲	۲۰۰	۲۱۱۴
- ۵۱۱۱	۳۹۹۹	۵۱۲۵
- ۱۳۲۲	۱۳۲۲	۵۲۲
- ۱۰۰۲	۱۱۳۳	۸۲۲
- ۱۱۱۳۹	رفیق دکه دار	۱۹۷۸
- ۱۱۷۰	۱۰۰۰	ی
ع جای فروش	۱۰۰۰۵	۱۳۱۵
۵۰۱	۳۰۴	۸۷۰

بدون کد  
ط ۵۰۰۰  
۳۱۲۲  
۱۰۰۱

## افریقای جنوبی

مبارزات رها نشی بخش در آفریقای جنوبی هر روز با شدت بیشتری در پیوسته در رژیم نژادپرست حاکم بر این کشور، برای جلوگیری از رشد و توسعه جنبش توده‌ای و نیز مخالفت از پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات خود انگیخته توده‌ها و آگاه‌ها با فتن زحمتکشان و کارگران به منافع طبقاتی خویش به انواع سیاستهای ضد مردمی و ضد کارگری، و نیز ایجاد حوازی ب

و تهدید متوسل میشود. در هفته گذشته، نیروهای امنیتی سر کوبگر، هشت دانشجوی مبارز سیا هیوست را دستگیر کردند. این دانشجویان مبارز عضو شورای انقلابی جوانان آفریقای جنوبی می‌باشند. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی همچنین در ۲۹/۳/۶۰، در پی تظاهراتی که دانش آموزان ژوها نیسبورگ بعنوان اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم انجام دادند، ۹۹ تن از آنان را دستگیر کرد. این دانش آموزان که از نژادهای مختلف هستند، بین ۱۲ تا ۹ سال سن دارند و برخی از آنان از محصلین دوره ابتدایی می‌باشند.

## سودان

بیش از یکماه از آغاز اعتصاب کارگران راه آهن و حمل و نقل در سودان با خواست افزایش دستمزدها میگذرد. این اعتصاب رژیم حاکم سرمایه داری را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. در تاریخ ۲۹ خرداد جمفر نمیری رئیس جمهور سودان طی یک فرمان

فائستی مجازات اعدام را برای هرگونه شرکت در اعتصابات یا تظاهرات اعلام نمود. سودان امروزه با بحران اقتصادی - سیاسی عمیق روبروست. رژیم نمیری علاوه بر اعمال شیوه‌های سرکوبگرانه برای جلوگیری از رشد مبارزات توده‌ها، ایجاد وابستگی سیستم امپریالیزم جهانی را گسترش میدهد. در همین رابطه طی ماه آوریل قراردادهای جدیدی برای اختن پایگاه‌های نظامی با مملو آمریکا منعقد ساخت.

## مراکش

در پی اعلام ۲۰٪ افزایش بهای مواد غذایی از سوی دولت مراکش، تظاهرات و اعتصابات با تکیه بر بدعت اتحادیه‌های کارگری و نیروهای مخالف دولت انجام گرفت. این اعتصابات با حمایت وسیع و فعال مردم روبرو شد. در روزهای شنبه ۳۰ و یکشنبه ۳۱ خرداد ماه تظاهرات گسترده‌ای در اکثر شهرهای مراکش صورت گرفت. این درگیریها بویژه در محلات فقیرنشین رباط از شدت بیشتری برخوردار بود. طی این درگیریها ۱۰ نفر کشته، عده زیادی زخمی

و حدود ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند. بدنبال این جریان روز دوشنبه اول تیرماه در کازابلانکا حکومت نظامی برقرار شد. و افزایش بهای کالاها از ۲۰٪ به ۱۵٪ تقلیل یافت. اما مبارزات توده‌ها برای جلوگیری کامل از افزایش قیمتتها همچنان ادامه دارد.

همزمان با این درگیریها، نبرد میان چریکهای جنبه پولیساریو و نیروهای نظامی مراکش رخ داد که به کشته شدن مدها سرباز و تصرف چندین پایگاه مراکشی و مقادیر زیادی اسلحه و تجهیزات توسط چریکهای جنبه منجر شد. سازمانهای انقلابی مراکش، اعتصابات اخیر را که با حمایت تمامی کارگران و اقشار توده‌ای خلق انجام گرفت پیروزی بزرگی نامیدند.

## دربارهٔ اخراج ...

بقیه از صفحه ۸

گام سنگین را در مبارزه از چنگ سرمایه داران در آورند. اما کارگران با علم به اینکه هیچیک از این راه‌ها مسئله اخراج را بطور بنیادین حل نخواهد کرد، نباید بکوشند خود را در سازمانهای سیاسی خود یعنی حزب طبقه کارگر متشکل کنند و قدرت را بدست بگیرند تا در حکومت خود تولید برای تأمین نیازهای انسانی را برنامهریزی کنند و مسئله اخراج و بیکاری را برای همیشه حل نمایند.

## درود بر شهدای ۲۲ خرداد "املش"

بقیه از صفحه ۱۳

صورت می‌گیرد که مورد حمایت توده‌ها قرار گرفته و ضمن حمله با سداران به آن ۲۰ تن دیگر زخمی میشوند. شاخه سازمان در گیلان در اعلامیه بتاریخ ۲۲ خرداد ضمن درج این خبرهای فوق نوشته‌اند: "امروز توده‌ها در برابر فتنه‌اند که بودن آنها در میدان مبارزه و ایستادگی در مقابل سیاستهای ضد مردمی و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی تنها راه تداوم و تکمیل انقلاب ظفر نمون خلقهای ایران است"



## ترکیه

رژیم کودتا که بمنظور حل بحران اقتصادی و تحکیم نظام سرمایه داری در ترکیه حاکم شد، همچون هر رژیم مدافع حاکمیت سرمایه، هر اسناک از رشد و گسترش جنبش توده‌ای و کارگری، در هفته‌های اخیر بر سیاستهای سرکوبگرانه و ضد کارگری خود افزوده است.

رژیم کودتا، هر روز تعداد دیپلماتیکانی را که برای حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مبارزه می‌کنند، دستگیری کند. بطوریکه در حال حاضر ۱۹۲۶۹ زندانی سیاسی در زندانهای قرون وسطایی شورای نظامی حاکم پسر می‌برند. تاکنون بیدادگانهای نظامی رژیم ۹۰۰ تن از این زندانیان را به اعدام محکوم کرده است. برخی از این محکومین اعدام شده و بسیاری نیز در انتظار اردوگاه‌های دوم خودبسر می‌برند.

رژیم فاشیستی و سرکوبگر حاکم همچنین در تاریخ ۳۰/۳/۶۰، عضو سندیکای مرکزی معدنچیان را به جرم خواندان سرود "انترناسیونال در رگه سندیکا که از تاریخ ۱۹ تا ۲۲ دسامبر سال (دسامبر ۱۹۶۰) یعنی قبل از روی کار آمدن کودتاگران، در اسلابل تشکیل شده، تحت عنوان تبلیغ کمونیسم در بیدادگانهای نظامی به محاکمه کشید و هر یک را به ۵ سال و نیم زندان و محرومیت مادام العمر از حقوق مدنی محکوم کرد.

نظامیان حاکم همچنین در هفته گذشته ۱۲۵ تن از مبارزین خلق کرد را به جرم تجزیه طلبی و ارتباط با سازمانهای مترقی منطقه و نیز اجتناب از رهبران و اعضای ارتش آزادی بخش ترکیه را به اتهام تماس با احزاب کمونیست، فلما لیستهای انقلابی و تبلیغات سیاسی دستگیر کردند. مقایسه این اقدامات با اعمال سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهد چگونه رژیم‌های ضد خلقی برای ایجاد محیط آرام جهت تأمین امنیت سرمایه و غارتگری انحصارات امپریالیستی به شیوه کم و بیش یکسانی متوسل میشوند.

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان

## پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت ۸ تیر

۸ تیرماه سالروز شهادت رفیق حمیداشرف، رهبر کبیر سازمان و ده رزمند فدائی دیگر غلامعلی خراط پور، محمدحسین حقنواز، یوسف قانع خشکبجاری، محمدرضا یثربی، غلامرضا لایق مهربانی، علی اکبر وزیر، محمدحسین فوقانی، عسکرحسینی ابرده و طاهره خرم نقطه دیکریست در تاریخچه سراسر مبارزه و افتخار آفرین خلقهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، ظلم و ستم، سیدادگسری و دیکتاتوری.

در ۸ تیرماه ۱۳۵۵ با ردیکردست جلادان رژیم شاه به خون فرزندان خلق آغشته شد و طی نبردی خونین یازده فدائی خلق در حالی که آخرین کلوله های خود را با فریاد "مرگ برای امپریالیسم، پیروز با دخلق" شتارمزدوران رژیم شاه میکردند، به شهادت رسیدند. این قهرمانی و فداکاری، این از خودگذشتگی و ایستادگی، تنها از عشق و ایمان فداشایان خلق به توده های زحمتکش و کینه و نفرت شان به دشمنان خلق ناشی میگردد.

بی جهت نیست که فداشایان خلق پیوسته مورد کینه و دشمنی سرمایه داران و رژیمهای مرتجع بوده اند. دیروز رژیم مزدور شاه کمره نابودی فداشایان خلق بسته بود و امروز رژیم فدخلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، کین توزانه بمقابله با فداشایان خلق برخاسته است. دیروز حمیداشرف ها، بویان ها، جزئی ها و احمدزاده ها بدست جلادان رژیم شاه شهادت رسیدند و امروز "جهان هوا و سمیلسلط" نپورها بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در زندان ترور میشوند.

امروز ما در شرایطی خا طره فداشایان خلق حمیداشرف و دیگر شهدای سرمایه راکرانی میداریم که یکبار دیگر مینماید ما عرصه بیدادگریها و جنایاتی است که رژیم جمهوری اسلامی مرتکب میشود و پس از آن همه مبارزه و قهرمانی توده ها، پس از آن همه از خودگذشتگی و تلاوی و تحمل هزاران بدبختی و مصیبت، با زهم رژیسی خودکامه و مرتجع رژیمین ما حاکم شده است. ابتدائی ترین حقیق و آزادیهای سیاسی مردم مورد دستبرد و یورش قرار گرفته است، تمام روزنامه ها و نشریات مخالف توفیف شده اند. اجزای سازمانهای سیاسی و صنعتی عملاً "تصرفاتونی" اعلام شده اند. دانشگاهها این سکر آزادی و مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم جهانی تعطیل گشته اند. زندانها طبلوا ز بهترین فرزندان خلق شده است، شکنجه زندانیان، دزدگای فرماشی و اعدام بی دربی انقلابیون دویاره از سر گرفته شده است. فداشایان و مجاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی مورد حملات و سرکوب سرمایه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. تظاهرات خیابانی مردم را بکلوله مینهندند و اعمالیات کارگران را قهرآمیز درهم میشکنند. بیرونی کارگران آنش میکتانند. دسته های چماق و حزب الله را بجان مردم میاندازند. قساوت، اجساد و سیرجی راه حدی رسانده اند که انقلابیون ۱۳۵۵ ساله را بچوخته اعدام میسپارند. فداشای خلق سعیدسلطانپور، تاعرو هنرمندان انقلابی را که سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرد، بجرم "سابق سو" یعنی مبارزه علیه رژیم شاه، به اعدام محکوم میکنند. خلقهای تحت ستم ایران، از حقوق برحق و عادلانه خویش محروم شده و دستخوش سرکوبهای بیرحمانه قرار گرفته اند. اقلیت های مذهبی از حقوق انسانی و اجتماعی خود محروم شده اند. اجرای قانون قرون وسطائی و دیشری قضا بصورت سنگار، بریدن دست و پا، در آوردن جسم بشر حله اجراء داده است و با گذشت هر روز این اعمال شنیکن رژیم جمهوری اسلامی بیشتر میشود.

رژیم جمهوری اسلامی در مقابل تمام خواستهای توده های مردم ایستاده است. به تنها زندگی را بر توده ها دستور برگزیده، نه تنها فقر و فلاکتی هولناک را به توده های مردم تحمیر کرده، به تنها درمداست دویاره دیکتاتوری محمدرضا شاه را این بار در لوی جمهوری اسلامی زنده کند، بلکه وفاحت و بیشرمی را با نجا رسانده که آشکارا با امپریالیست ها زد و بند و معا مله برداخته است. تنها طی چند هفته گذشته قرارداد های متعددی با امپریالیستهای آمریکا، انگلیس، ژاپنی، آلمانی... منعقد گردید است. بسیاری از قرارداد های ا سارت با دوران رژیم شاه دوباره تجدید شده اند. قراردادیک میلیار دلیرای با شرکت انگلیسی "تالپوت"، قرارداد دجند میلیون دلاری با شرکت ژاپنی "شویو کوبو" و قرارداد مربوط به طرح بیرونی بنی بندر خمینی با شرکت ژاپنی میتو شی، قراردادیک میلیار دلاری خرید سلحه با امپریالیسم آمریکا در هفته گذشته، تنها نمونه های افسانه شده سیاستهای فدخلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی اند.

خلاصه کلام: امروز دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با توده های مردم از روز روشن تراست. این رژیم دشمن کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان مینماید. این رژیم دشمن آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها است. این رژیم از منافع سرمایه داران و زمینداران، مفت خورها و انگل های اجتماع دفاع میکند و در حالیکه میلیونها تن از هموطنان زحمتکش از فقر و کسبکی، فقر، کراتی و بیکاری جان شان بلب رسیده است، تنها طی سال گذشته میلیاردها ریال بحیب تجارت مفت خور سراسر برگزیده است. این رژیم جز فقر و بدبختی، جز سرکوب و اختناق و شرمه ای برای توده های مردم نداشته است.

هموطنان مبارز! زحمتکشان ایران! امروز دیکر کلام! روشن شده است که رژیم جمهوری اسلامی بصورت عاملی عمده بر سر راه پیشرفت انقلاب ایستاده است. ترورها، سرکوبها و اعدامهای دسته جمعی اخیر شان میدهد که رژیم در تلاش است با توسل به ترور و سرکوب و بفراری دیکتاتوری عریکان پایه های لوزان حکومت خود را مستحکم سازد.

حزب جمهوری اسلامی این حزب سرکوب و اختناق، حزب چماق داران، حزب دفاع از منافع سرمایه داران، مفت خورها که اکنون همه ابزارهای قدرت دولتی را در دست گرفته است، میگوید ما ایجاد محیط رعب و وحشت، با ترور و اعدام، با سب و سازماندهی و با شان و لنگردان، چاقو کشان و چماق داران، روحیه مبارزاتی توده ها را درهم شکنند. در لحظه کنونی این حزب خطرناکترین دشمن توده ها است بنا بر این باید سرخستانه به مقابله با آن برخاست. نباید اجازه داد که این حزب سیاستهای فدا انقلابی و ارتجاعی خود را ادامه دهد. هموطنان مبارز! زحمتکشان ایران!

علیه رژیم ترور و اختناق بپیمارزه برخیزید. کارگران، دهقانان، معلمان، محملین، دانشجویان، کسه و پیشه وران، کارمندان، سربازان، درجه داران و افسران انقلابی! امروز مینماید ما در آستانه یک لحظه سرنوشت ساز قرار گرفته است. تنها و تنها مبارزه انقلابی شماست که میتواند ما را از جنگال فدا انقلاب نجات دهد. تنها و تنها مبارزه و ایستادگی شماست که میتواند جلوی یورش های فدا انقلابی و سرکوبگرانه رژیم حاکم را سد کند. تنها و تنها مبارزه و بی گیری شماست که میتواند حزب جمهوری اسلامی و همه مرتجعین را به گورستان تاریخ بسپارد. مبارزات خود را تند بخشد. از طریق اعتمادات، تظاهرات، راهپیمائشها و اشکال دیگر مبارزه، فدا انقلاب را به عقب نشینی و ادار کنید. شوراهای انقلابی و کمیته های مجلی را ایجاد کنید و هر کارخانه، مزرعه، مدرسه، اداره و محله را به دژ محکم مبارزه علیه فدا انقلاب تبدیل کنید!

از نیروهای انقلابی حمایت کنید  
هموطنان زحمتکشان! خلقهای قهرمان ایران!

اکنون بیش از هر زمان دیکر روشن شده است که رژیم جمهوری اسلامی بیانگر خواستها، منافع مردم، بیانگر اراده انقلابی توده ها نیست. ابتدائی ترین حقوق زحمتکشان را پایمال کرده است و حقانیت خود را در میان توده ها از دست داده است. با ردیکر علیه رژیم ترور و اختناق بپا خیزید و با تشکیل مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی یعنی مجلسی که نمایندگان آن از طریق انتخاب شوراهای انقلابی انتخاب میشوند، سرنوشت خویش را در دست گیرید.

ما زمانهای انقلابی و دموکراتیک ایران! اوضاع وخامت بار کنونی، یورش فدا انقلاب به دست آورده های انقلابی توده های مردم ایجاب میکند، که نیروهای انقلابی تمام تلاش خود را در جهت مقابله با فدا انقلاب بکار گیرند و تنها راه مقابله موفقیت آمیز آن نیز گسترش اتحاد دمل نیروهای انقلابی، و سازماندهی نیروهای پراکنده، حول یک برنامه مشخص است. بکوشیم با اتحاد دمل خود، جبهه مقاومت و پایداری را مستحکم تر سازیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز یکبار دیگر در این روز سیاسی بزرگداشت شهدای ۸ تیر، این قهرمانان راستین خلق با توده های زحمتکشان مینماید. ما در پیما ن میندیم که همچنان بیگروا ستوار از منافع توده های مردم دفاع کند. در برابر رژیم فدخلقی و ارتجاعی حاکم ایستادگی نماید و با پیروزی نهائی راه حمیداشرف ها را که همانا راه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران است، قاطعانه ادامه دهد.

جاودان بماند شهدای ۸ تیرماه و همه شهدای بخون خفته خلق  
با بودیداد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی  
مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان



## درسهای از انقلاب

### ۱۸۴۸ فرانسه

بقیه از صفحه ۱

بنا بر این انقلاب فرانسه زمینه‌ای مناسب برای تدقیق و تکامل مشخص اصول ماركسیسم بود. بنا تکبیر تجربه این انقلاب بود که ما رکن به تحلیل های مشخصی " مبارزه طبقاتی در فرانسه " و " ۱۸ برومر لویی بنا پارت می برد از " .

نگاه گذرا به تجربه این انقلاب - برای با زشتی برخی ویژگیهای انقلاب ایران و فراگیری تجربه های آن سودمند - تواند بود .

نقطه اوج انقلاب فرانسه در روزهای ژوئن ۱۸۴۸ است. بپولتاریا که به تجربه دریا فته بود، هدف از استقرار جمهوری - بورژوازی، برقراری کامیبت کل طبقه سرما به دار مالک، و از میان برداشتن انحصار قدرت توسط بخش های خاص بورژوازی است. در روزهای ژوئن با شعار "جمهوری اجتماعی" دست به قیام می زنند. این نخستین تجربه قیام پروتاریا علیه بورژوازی است که به دست تمام طبقات خواهان

مالکیت خصوصی در هم شکسته می شود. انگلس در ریشه پای شکست این قیام می گوید " بنا آن که کارگران از تضادنا گزیری که میان طبقه آنها و بورژوازی وجود داشت خوبسی با خبر بودند، معذانه تکامل اقتصادی کشور، و نه سطح تفکر توده های کارگر - فرانسوی هیچکدام هنوز به آن پایه نرسیده بودند که نظام اجتماعی را میسر و ممکن گردانند. در جریان انقلاب فوریه ۱۸۴۸ ارگان ها سرکوب، از جمله "گاردملی" دست نخورده باقی ماندند و حتی بعد از آن ارگان سرکوب دیگری متشکل از عناصر لومین بپولتاریا - عمدتاً " ۱۵ تا ۲۰ ساله - تحت عنوان - "گاردمتحرک" بوجود می آید .

بورژوازی که در پی فرصت مناسب بود، به کمک ارگانهای یکنه و نوین خویش قیام پیشرو بپولتاریا را در مصافی بنا بر سرکوب می کند. بپولتاریا پس از پنج روز ایستادگی در برابر گارد ملی و کاربرد متحرک، ۲۰۰۰۰ کشته می دهد و شکست می خورد .

بدنبال این شکست، زمینه ظهور - دیکتاتور عربی ایران فراهم می شود. بورژوازی موفق می شود خرده بورژوازی و توده های - دهقان را که در مبارزه علیه بپولتاریا و همسنگر بورژوازی بودند، نیز سرکوب کند و قدرت را در چنگ خویش قبضه کند. پس از شکست ژوئن و بدنبال بپولتاریا، خرده - بورژوازی از مجلس مقننه به بیرون پرتاب می شود پس از آن تمام جمهوری در دست شعبده بازی به نام پلئون غیب می شود .

در جریان انقلاب ۱۸۴۸ بود که بپولتاریا دریا فته پارلمان بورژوازی حتی موجب تکامل ماشین دولت شده و متوجه شد که هدف از مبارزه قدرت میان اجزاب تماحب ماشین دولت بوده است .

# هشدار!

### به سربازان، همافران، درجه داران، افسران

این روزها حزب جمهوری اسلامی با تسخیر کامل ابزارهای قدرت به شکل یک فدا انقلاب متمرکز در مقابل حش انقلابی خلق قرار گرفته است. فرماندهان فدا خلقی ارتش و سایر سربازان مسلح سربازان سادری از حزب، تمامی نیروی خود را رسماً " در اختیار روزیم گذاشته اند. رژیم مدخلی که در مقابل ما حش خلق نیروی سیاه، مسخ و باندهای سیاه و فاشیستی " حزب الله " را گامی می برد. می خواهد این وسایل نیروهای مسلح را که تا دیروز در گردن سربازان و سربازان کسار طری مسؤل بوده اند، در باغی سراسری و وسیع در مقابل خلق های مهربان، کارگران و زحمتکشان قرار دهد .

### هشیار باشید!

حربه، فام بهمین ۵۷ را اربا دسیرید، بسا داد و بید که چگونه فرماندهان مردور ارتش، ائمال ملائی و طهریزاد، به خاطر منافع سرما به داران و رژیم شاه، شمارا در مقابل مردم قرار میدادند و سراسری از تمام حش انقلابی توده ها شدند. سک حساب به مردم سرکوب حش را بسیرید! از فرمان تلک به موطان خود سر بیجی کسودند اسدان دسه از نظامان که به آرمان انقلابی خلق پیوستند، هما ندها فرمان و سربسز انقلابی که در حش ان فام بهمین به خلق پیوستند، در دل مهربان خلق حای خواهند داشت .

### پرسئل انقلابی ارتش! همافران مبارز!

حش وظیفه، سکش آگاه کردن همعظاران شمارا بر دوش شما پرسئل انقلابی نهاده است! بکودنا با ذکر مسکسی و روزهای فام بهمین و توضیح اهداف حش خلق، بر تسلیح شما " اسللا، کار، مسک، ارادی گراسهای مردمی را در همکاران خود بسیدار و تقویت کنید. در باره سورا های نظامی مسکل آرسا سدان انقلابی و مردمی سربازان، در عهد آران، همافران و افسران انقلابی سربا، به خاطر فام بهمین توضیح دهد. در سرباشی شکل های انقلابی و مردمی، به منابه، همه های اولسه سوراها بکودنا!

زنده باد مبارزات دلاورانه خلق، ننگ بر سرکوبگران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۳۰ خرداد ۶۰

## انتشار خبرنامه هواداران سازمان در خراسان

هواداران سازمان در خراسان به انتشار خبرنامه ای برای بخش اخبار و گزارشات دست زده اند. رفقا در اولین شماره در " ضرورت انتشار خبرنامه " نوشته اند: " ..... از آنجا که حزب جمهوری اسلامی قبضه کردن کلیه وسایل ارتباط جمعی در دست خود، سعی در تحمیل و فریب توده ها و همچنین قلب و اقیعات نموده - تا به خیال خود، ما هیت ضد خلقی خود را بسپوشاند، ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جهت رساندن حقایق به گوش مردم و حمایت از منافع کارگران و زحمتکشان و به منظور مبارزه در جهت حفظ و گسترش آزادیها و دموکراتیک در صد برابر آمدیم تا ضمن افشای ما هیت سرکوبگرانه حزب و آزاد دیخواهی دروغین لیبیرالها با بخش هر چه وسیعتر اخبار گوشه و کنار شهروستان، شمارا در جریان وقایع قرار دهیم "

لازم به یاد آوری است که دومین شماره " خبرنامه " هواداران در خراسان نیز منتشر شده است. حاوی اخبار مربوط به هجوم سرکوبگرانه حاکمیت و مبارزات توده ها، در شهرهای خراسان است .

ما رکن به این نتیجه علمی رسید که ستون فقرات حکومت فدا انقلاب را ماشین نظامی - بوروکراتیک تشکیل می دهد و شرط پیروزی انقلاب واقعا " خلقی آینه زار در هم شکستن این ماشین دولتی اعلام کرد .

در جریان انقلاب ایران نیز شاهد بودیم که چگونه نیروهای فدا قدرت خریده، زیر نام مردم و به کام بورژوازی - به با زسی آنها دهای سرکوب پلیسی - نظامی و استقرار مجدد نهادها و دولتی پرداختند و حتی به تاسیس ارگانهای نوین سرکوب رسمی (سپاه پاسداران) و غیر رسمی (باندهای سیا و حزب الهی) پرداختند و دیده ایم که این نیروها عمدتاً " زولگردان و اوباش تشکیل شده اند و با به طبقه توکار گرد - طبقاتی آنها که ارگان اضافی سرکوب رسمی و غیر رسمی بورژوازی هستند شباهتی به جمعیت ادا س میردارد .

جریان نزاع قدرت پس از قیام بهمین نشان داد که فراکسیون های بورژوازی ایران نیز طی جدالهای بسیار سخت، بر سر تمام حاکمیت ارگانهای نظامی - بوروکراتیک به جان هم افتاده اند .

اکنون که توده های انقلابی ایران می روند تا با ردیکره مسئله قدرت سیاسی با شیوه و مضمون نوینی پاسخ دهند، باید با ردیکره این درس انقلابی شکست خورده تا کید کرد که شرط پیروزی جمهوری - دموکراتیک، درهم کوبیدن تمام نهاد های نظامی و شبه نظامی بورژوازی به موزات آن تسلیح شورا های انقلابی و ایجاد ارتش خلق به رهبری نیروهای انقلابی برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و تداوم آن است .

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

## بودجه سال ۶۰: گامهای بلند سوسیالیسم

بقیه از صفحه ۳

نفت بیشتر و بیا استفاده از اعتبارات بانکی جهت تأمین کسری درآمدها چاره ای ندارد. با زهم شاهد استقرار دولت از بانک مرکزی و بجز این انداختن پول بیشتر از طرف دولت خواهیم بود که نتیجه بلاواسطه آن افزایش شدید تورم است. اگرچه میزان اسکناسی که بر اساس پشتوانه ارزی که از فروش نفت عاید میشود نیز تورم زاست، لیکن میزان بدهی حکومت به بانک مرکزی چنانچه به ابعاد دو هشتاد رسیده که فشار بیشتری برای استقرار از بانک مرکزی میتواند موجودیت سیستم بانکی را به مخاطره افکند. میزان بدهی دولت در آخر سال ۱۳۵۸ به بانک مرکزی بالغ بر ۱۲۲۲ - میلیاردریال بود که در آخر سال ۵۹ به ۲۶۲۲ میلیاردریال رسید، یعنی ۸۵ درصد افزایش یافت که این خود نشاننده ورسختگی حکومت است. بهرحال سیاستهای تأمین درآمدها از طریق فروش اضافی نفت و با استقرار از بانک مرکزی هردو تورم زاست. و در این میان با زهم این تجار بزرگ، محترمان زمینداران و کلا "سرما به داران هستند که از قبیل افزایش سرسام آور تورم به سودهای سرشار دست می یابند، و باز این کارگران و زحمتکشان هستند که باید فشار سنگین گرانی افسارگسیخته را تحمل کنند.

## بار فشارهای مالیاتی بر دوش چه کسانی است؟

پس از درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی بودجه در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در سال ۶۰ وصول مالیاتها بمیزان ۵۲۲ میلیاردریال پیش بینی شده، که کمی بیش از ۱۶ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل میدهد. در این مورد نیز، سیاستهای مالیاتی دولت بصورتی است که کارگران، کارمندان جز و زحمتکشان با بار اصلی فشار مالیاتی را متحمل میشوند. در سال گذشته ۲۱۸ میلیاردریال درآمدهای مالیاتی معوب، تنها ۳۲۰ میلیاردریال مالیات وصول شد. البته بدیهی است که دولت بطور خودکار مالیات بر دستمزدها و حقوق را کلا وصول کرده، یعنی کارگران و کارمندان مالیات خود را به ناچار تمام و کمال پرداخته اند، در حالیکه در بخش خصوصی یعنی سرما به داران و عمدتاً "تجار بزرگ که در سال گذشته ۱۲۰ میلیاردر تومان سود برده اند، بسیار کمتر از میزان مقرر یعنی فقط ۳/۵ میلیاردر تومان مالیات پرداخته اند. (بگذریم از این که این میزان مقرر نیز بنصف سرما به داران - تنظیم شده است). از کل درآمدهای مالیاتی سال گذشته کمتر از ۲۰ درصد آن مربوط به بخش خصوصی (سرما به داران) بوده است.

سیاستهای مالیاتی دولت در سال جاری نیز تفاوتی با سال قبل نخواهد داشت، و کارگران و کارمندان جز و بطور مستقیم و دیگر

زحمتکشان بطور غیر مستقیم با بیدار مالیاتها را بدوش کشند. در عوض، هیات حاکمه برای رفع هرگونه نگرانی کاذب (!) از سرما به داران و بویژه تجار در مورد افزایش مالیاتها، اطمینان کافی به آنها داده است. مثلاً "اظهارات حسن هراتی نماینده مجلس در هنگام دفاع از لایحه بودجه (که مورد تأیید ضمنی مجلس نیز قرار گرفت) نمونه ای است از اطمینان بخشی قوه، مقننه به بخش خصوصی. وی اظهار داشت: "برای افزایش مالیاتها بمنظور افزایش هزینه نیز باید ابتدا فواید اقتصادی را روشن کنیم و اقتصاد را بزرگتر در آوریم تا بعد بتوان مالیات را وصول کرد. چون مالیات نیاز به یک نظام دقیق و کنترل دائمی دارد و اگر مالیاتها رویه بالارود قیمتها افزایش یافته و نارضایتی بوجود می آید و در نتیجه نارضایتی ایجاد میشود" (میزان ۶۰/۳/۱۰) البته بنا توجه به اینکه کارگران و کارمندان جز مالیات خود را تماماً میپردازند و سال قبل نیز مالیاتهای حقوق بگیران افزایش یافته و در حقیقت دیگر مردمی برای آنها باقی نمانده که دولت با ردیگر مالیات بر حقوق را افزایش دهد، بنا بر این مطالب نماینده مجلس آنها را هشتاد و یک سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند و برای مقابله با هرگونه "نارضایتی" از طرف اینگان، افزایش مالیات بر درآمدها را منتفی میدانند. در حالی که نیز در مورد مالیات درآمدها از طریق افزایش مالیات، موضوع را بصورتی بیان میکنند که گویا فقط میتوان از کارگران و کارمندان مالیات گرفت و لاغیر. وی میگوید: "تا آنجا که از اراضی سؤال کردیم درآمدی که از طریق مالیات بمسائل دولت میدهد از حقوق کارمندان است. اگر اراضی میدهد ما در حدود ۲۰ درصد ۳۰ درصد مالیات بگیریم از کارمندان آنچه برای رجا می پس بجا رفته است؟ (انقلاب اسلامی ۶۰/۳/۱۲). و به این ترتیب رجا می با کمال بی حیاشی مساله منیع وصول و افزایش مالیاتها را منحصراً به کارمندان دانسته و چها و لگران دسترنج زحمتکشان را از هرگونه نگرانی و نارضایتی خلاص میکند و در مورد متعهد او همکاران مکتبی اش تهریح می کنند که قصد وصول مالیات از سرما به داران را ندارد.

کارگران و کارمندان تنها تحت فشار مالیاتهای مستقیم قرار ندارند، بلکه همراه با سایر زحمتکشان با رقمت اعظم مالیاتهای غیر مستقیم را نیز بر دوش می کشند. البته سهم عمده ای از درآمدهای مالیاتی دولت را مالیات بر واردات تشکیل میدهد. نظراً این مالیات است که از تجار و واردکنندگان بصورت سودهای بزرگتی حقوق کمگرو غیره اخذ میشود. اما واقعیت این است که این مالیات بر واردات مستقیماً به قیمت کالاها منتقل شده و از جیب مصرف کنندگان پرداخت میشود. در یک کلام آن که با سیستم مالیاتی دولت در جهت منافع سرما به داران، دوش زحمتکشان قرار دارد.

## بحران در حال رسیدن است

بقیه از صفحه ۲

جمهوری اسلامی، عملاً "سیاستهای بین حزب را مورد تأیید قرار میدهد. زیرا آنچه که در لحظه کنونی برای میریالیسم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نیروی نیست که در شرایط مشخص کنونی جنبش توده ای و سازمانهای انقلابی را سرکوب کند. این همان سیاستی است که حزب جمهوری اسلامی دنبال میکند و بنا بر این در لحظه کنونی عملاً "مورد تأیید میریالیسم بویژه میریالیسم آمریکا قرار دارد. موضع گیری

ژنرالهای ارتش درقبال اختلافات حزب جمهوری اسلامی و بنی مریروشنی این مسئله را نشان داد. زیرا شرایط بحرانی کنونی آنچنان وضعیت را بدید آورده - است که حل مسائل مهم تنها در سربدهای حادثه دریا رلما آنها و سیاستهای لیبرالی صورت خواهد گرفت. ارتش اکنون در پشت سر حزب جمهوری اسلامی وارد میدان شده است و هر چه بحران آشکارتر و گسترده تر شود، بنحوی قاطعی تر وارد میدان عمل خواهد شد. اکنون میتوان گفت که ارتش بصورت دار... است تا بر قع وارد عمل شود. فاسل و انفعالات خرید در رابطه با مسله جنگ ایران و عراق نیز بخوبی این مسئله را نشان میدهد. در این زمینه، سیاستها یک بندوبست با رژیم عراق ارتشی را که اکنون پس از چندین ماه مبارزه، بصورتی سازمان یافته، منسجم، آموزش دیده و سر تا پا مسلح درآمده است علیه توده ها و انقلاب بگا رگیرد. ما نه تنها با بدین سیاست خائنانانه که موجب راهزما کنون افشاکتیم و بنحودها توضیح دهیم که این صرفاً "یک متارکه یک بندوبست، برای سرکوب توده ها است، بلکه هوشیارانه تمام حرکات ارتش را زیر نظر داشته باشیم و به قاطع با سیاستهای ضد انقلابی آن برخورد کنیم. بررسی اوضاع موجود نشان - می دهد که احتمال درگیریهای بسیار حادث در آینده ای نه چندان دور وجود دارد. بحران از جهات مختلف در حال رسیدن است جنبش توده ای و نارضایتی مردم ایما د تازه ای می یابد و ضد انقلاب خود را برای - سبردنهای آماده می سازد.

با بیدردقبال هرگونه تغییر و تحول در آما دگی نظامی داشت و برای شکل متنوع مباره حتی احتمال وقوع یک جنگ داخلی نیز آماده بود.

ما با بدتدارک لازم را برای شکل عالی مبارزه نیز فراهم کنیم، مساله در لحظات قاطعی دچار گنجی و سردرگمی نشویم و ضد انقلاب نتواند، ما را مات کند. رفقای هوادار ما زمان نیز با بد - شرایط بحرانی کنونی را کالما "در نظر داشته باشند.

فعالان در مبارزات مردم شرکت کنند. همزمان با او جگیری مبارزات - توده ها، در جهت ارتقاء این مبارزات - بکوشید، در هر کجا هستید در جهت ایجاد شورا های انقلابی و کمیته های محلی - تلاش کنید، بخش وسیعی از کار خود را به امر تبلیغ اختصاص دهید. موازین امنیتی را کالما "در نظر بگیرید و با در نظر گرفتن ضوابط امنیتی، فنون رژیم را فرا گیرید. و آما دگی نظامی نیز داشته باشید.



# احیای اسطوره بورژوازی ملی و ضد امپریالیست!

## زحمتکشان ایران! علیه رژیم اختناق و سرکوب پا خیزید

### هموطنان مبارز!

کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارمندان، سران، درجه‌داران و افسران جز' ارتش! اوضاع سیاسی جامعه به مرحله‌ای بسیار حساس رسیده است. رژیم جمهوری اسلامی که طی بیش از دو سال سیاسی جز تشدید فقر و بدبختی، گرسنگی و بیگاری، جنگ و آوارگی نداشت است و در عرصه با سخگوشی، به ابتدائین ترین نیازها و خواسته‌های خلق، به سیاست سرکوب و سلب آزادیهای سیاسی منوط شده است، اخیراً سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی خود را تشدید کرده است. حزب جمهوری اسلامی که گرداننده اصلی رژیم جمهوری اسلامی است، تلافیهای کسرتده‌ای را آغاز نموده که مقدمات یک دیکتاتوری سیاه همانند رژیم شاه را فراهم آورد و با ردیگر حکومت سرنیزه و ترور راه خلق ایران تحصیل کند.

عزل بنی‌مدر از ریاست جمهوری مرحله تازه‌ای است در سیاست تشدید سرکوب و اختناق رژیم جمهوری اسلامی. واقعتاً اینست که گرچه بنی‌مدر در بسیاری از موارد هنگامی که حزب جمهوری اسلامی در سرکوب توده‌ها شرکت داشت و در اساس همان سیاست بازپزایی نظام سرمایه‌داری را دنبال می‌کرد، اما از آنجا که امروز حزب بعنوان قدرت مسلط هیئت حاکمه زمینه سرکوب همه جانبه مردم، اختناق، محو کامل آزادیهای سیاسی و برقراری یک دیکتاتوری عربستان را تدارک می‌بیند، حتی اختلافات درونی را نیز تحمل نمی‌کند. بنا بر این بنی‌مدر را نیز از ریاست جمهوری عزل کرد تا همه مقامات را قبضه کند و بدون هرگونه اختلاف و مخالفتی خلق را سرکوب کند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی نتواند بنی‌مدر و مخالفت‌های او را تحمل کند، تکلیف توده‌های مردم و سازمانهای انقلابی روشن است.

### هموطنان مبارز!

درسی را که از دوران رژیم منور شاه آموخته‌اید، فراموش نکنید. هوشیار باشید و با غفلت و کوتاهی و هرگونه تردید و دودلی در مبارزه و مقابله جدی با رژیم ترور و خفقان - عواقبی وخیم و جبران ناپذیر بر سرخواه‌ها آورد.

مبارزه خود را شدت بخشید و بسطی با همه آزادیهای سیاسی و سیاسی سرکوبگرانه آن برخیزید. مستحکم باد وحدت و اتحاد توده‌های نیروهای انقلابی علیه سیاست سرکوب و خفقان پیروزی‌ساز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۰۶۴۱

در شرایطی که هنوز نتایج عوای یونان همیشه حاکمه برای اکثریتی‌های است مشخص نبود که به کجا می‌انجامد و با لایحه کدام - جناح حزب یا بنی‌مدر قدرت غالب را قبضه می‌کنند، از آنجا که سیاستهای آنان همچون همپا لگنی‌شان حزب توده، سیاست حمایت از قدرت غالب و حاکم است، سعی می‌کردند با تحریف آشکارا ما را کسیم و ارائه تحلیل‌های منتقدان نتواند رفتار کنند که همواره زمینه برای پشتک زدن آماده باشد. آنان در شرایطی که هنوز بنی‌مدر قدرت بود جهت توجیه حمایت ضمنی بنی‌مدر به احیای اسطوره بورژوازی ملی و استقلال طلبی پرداختند در صورتیکه اکثریتی‌های راست و کل فرصت طلبان به این خاطر بنی‌مدر را بطور کامل از خود نمی‌پندارند که هنوز سهمی از قدرت را در دست داشت و این رسم خائنین است که همواره به تاخیر قدرت - حاکم می‌پردازند. آنان در سرنیزه شماره ۱۱۱ خود می‌نویسند "تضاد میان نیروهای جمهوری اسلامی تضاد طبقه‌ای است" یا توجه به اینکه آنان حزب را خرده بورژوازی - می‌دانند و مسلم است که جناح بنی‌مدر را نماینده پرولتاریا نمی‌دانند پس در نتیجه جناحی با تضاد طبقه‌ای با خرد بورژوازی مسلما "نماینده بورژوازی - خواهد بود. اما از سوی دیگر آنها بنی‌مدر و جناحش را "خواهان استقلال" و "دارای گرایشات ضد امپریالیستی" می‌دانند و می‌نویسند: "سیاستی که میکوشد رئیس جمهور را علیرغم تمایزات او با سیاستمداران لیبرالی که فاقد هرگونه گرایش ضد امپریالیستی هستند به آغوش لیبرالها سوق دهد سیاستی نادرست است و به زیان انقلاب است"

مسائل کاملاً روشن است: اکثریتی‌های راست معتقدند بنی‌مدر نماینده اسطوره بورژوازی ملی است که خواهان استقلال و آزادی و همچنین فدا امپریالیست و در صف خلق می‌باشد.

سوسپال رفرمیستها برای توجیه خبا نتهای خود برای حرکت کاملاً از کمال قدرت به احیای اسطوره بورژوازی ملی - پرداخته اند بدون آنکه پاسخ دهند در - چنین شرایطی، با وجود یکپارچگی سرمایه جهانی، با وجود نفوذ وسیع و گسترده سرمایه‌های امپریالیستی در تمام عرصه‌های اقتصاد ایران، چگونه امکان وجود بورژوازی ملی می‌باشد؟

بعلاوه آنان تا زمانیکه قدرت بنی‌مدر سلب نشده بود موظف به ارزش طبقه‌ای می‌گردند زیرا در حالیکه تضاد درون حاکمیت را طبقه‌ای می‌دانستند نوشتند: "در شرایط حساس امروز ایران، گسترش کشمکش میان

### دیروز: خدمت به ارتش شاهنشاهی

امروز: ... بقیه از صفحه ۲

دیگری بنام ما قرنسا به که تا کنون رئیس شعبه هما بوده ترفی کرده و حکم ریاست شعبه را برادر یا فت کرده است.

اعلامیه کارکنان مسئول هواپیمایی با ردیگر صدق گفتار ما را در باره ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی اثبات می‌کند. رژیم که برای مقابله با انقلابیون به انواع و اقسام شیوه‌های ترور، سرکوب، شکنجه و اخراج متوسل می‌شود، نه تنها با سربازان سپه‌دگان رژیم سابق برخوردی قاطع نکرد بلکه آنها را در ارگانهای مهم دولتی بکار می‌گمارد. همچنین این اعلامیه بخوبی روشن می‌سازد که انجمن‌های اسلامی نیز با وجود تظاهر به فدا امپریالیست نبودن چیزی جز ابزار فریب و سرکوب جمهوری اسلامی نبود و عملاً در خدمت سرمایه‌داران و نوکرانشان قرار دارند.



# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



### یادرفقا، منصور فرساد

### ومهدی پهلوان

### شهدای جنگ، گرامی باد

منصور فرسا در فقی فدائی اهل میاندوآب با قلبی سرشار از عشق بسنه خلق وطنه کارگر در جبهه جنگ ارتجاعی ایران و عراق به شهادت رسید.

رفیق در سال ۱۳۳۸ در روستای ابراهیم نایب یکی از روستاها با طرف میاندوآب در یک خانواده متوسط متولد شد. وی بعد از گرفتن دیپلم مشغول گذراندن خدمت سربازی بود که به جبهه اعزام شد و در دهه اول اردیبهشت در دزفول شهید گردید. چند روز بعد که جد رفیق به میاندوآب رسید، با سدا را ن سرما به بی شرمانه از وی بعنوان مجاهد راه اسلام نام برده و کوشیدند از جنازه رفیق بهره برداری کنند. در همین رابطه هواداران سازمان در میاندوآب با طیفهای منتشر گردیده و با طرف رفیق شهید را گرامی داشته اند.

رفیق مهدی پهلوان در سال ۱۳۳۶ در شهران متولد شد. زندگی او از دوران کودکی با فقر و رنج همواره بود و همواره کینه و تنفری عمیق نسبت به دشمنان خلق داشت. رفیق در دوران دبکتا توری شاه، چند بار به دلیل مبارزاتش علیه رژیم توسط ساواک دستگیر و شکنجه شد، ولی اینها در روحیهی پرتحرک و کوشندهی او تا شیری نداشت.

رفیق مهدی دومرداد ۵۹ به سربازی رفت و پس از مدتی با شروع جنگ به جبههی دزفول اعزام شد. او در سربازی نیز از فعالیت های انقلابی و آگاهانه دست برداشت و همواره برای سربازان ماهیت با عادلانه و ارتجاعی جنگ را افشاء می کرد. رفیق مهدی پهلوان سازمان در جبهه بسنه شهادت رسید.

### حاکم سرع تهران محمدی کیلانی، بناگویی ساد حاکمکار

کزارکننده مراسم دعا و ثنا برای دفع خطر از شاه جنایتکار رسیده است. از کسی که در خدمت رژیم شاه بوده است جز این انتظاری نیست که انتقام سر-نگونی رژیم شاه را از انقلابیون بگیرد.

محمدی کیلانی که اینروزها دستش تا مرفق بخون انقلابیون آلوده است و با کمال وقاحت از کشتار رنجوانان سیزده چهارده ساله دفاع میکند و انقلابیون را فدای انقلاب میخواند، کسی است که مطابق بند زیر در زمان شاه مدافع رژیم و سر

شماره: ۲۳۰/۸۰  
تاریخ: ۵/۱/۶۷  
پوست  
منتهی است به است باین شماره شماره خود

کمیته سازمان چریکهای فدائی ایران  
مرکز: تهران - خیابان نیکبخت - پلاک ۱۱

#### بفترت آیت: کیلانی

خواهشمند است به تشریح و برقراری مراسم دعا و ثنا با نهایت سادگی و در وقت ظهر روزهای شنبه و دوشنبه در ساعت ۱۰ بعد از ظهر در ساعت ۲/۱/۶۷ در زمان حضور در تهران.

با احترام  
رستم محمدی  
۵۲۱۱۷

آشکارا میگردید بدیهی است که آجرا همه عناصرو بسته وسواکی موردتاشد همه همکاران میباشند. بها خیزید و با ایجاد تشکلات منفی از حقوق حقه خود دفاع نمائید "جمعی از کارکنان شرکت مخابرات" ۶۰/۲/۱۲

### انقلابیون مبارک

#### هنکاران متعهد و انقلابی

بیا ددارید که در طول سلطنت تنگین پهلوی و دولت شریف اما می چگونه بنا مبارزات پیگیر خودتوا نستیم فرسات مملکتی برپیکر رژیم فاشیستی شاه وارد کرده و با ایجاد شورا های واقعی مبارزات مبارزات خود را تداوم بخشیم و در این رهگذر از منافع و حقوق منفی خود دفاع نمائیم.

ولی همچنانکه میدانید پس از مدتی کوتاه سرکوبی شوراها آغاز شد و دستاوردهای قیام مورد هجوم قرار گرفت و بدنبال آن اعراضا را نقضالیه با خریدها و بازنشستگی های تجمیلی و اجباری صورت پذیرفت که در ادامه آن چندروز پیش با انفرادهکاران ما به بهانه واهی عدم رعایت حجاب اسلامی محکوم به انفصال از خدمت شدند. صدور این احکام به همین جا ختم نشده و هرروز به بهانه های دیگری متنفری از شما خواهد شد. بسا توجه به گرامی سرام آوری و نقش هر یک از ما در اقتصاد خانواده و ضرورت تضمین تنگی از طریق تشکلات منفی ما ن بخوبی

دیدم نوشته بود به دیوار  
با خون هوسپند  
در کوه های سرخ و خالی  
زیر پرچم مبارز  
از جاع المومنان  
نام بلند باد فدائی

### دیروز: خدمت به ارتش شاهنشاهی امروز: خدمت به جمهوری اسلامی

در اعتراض به پاکسازیهای انجمن اسلامی هواپیمایی ملی ایران اخبار اعلامیه افشاگرانه ای از طرف عده ای از کارکنان مسئول این شرکت منتشر شده است. در این اعلامیه سندی تا ریح ۲۸/۲/۶۷ افشا شده که در آن سپید مزین الله کمال زین ضد اطلاعات ارتش شاهنشاهی از خدمات شما به روزی پنج نفر از کارکنان هواپیمایی تشکر کرده است. نویسنده گان اعلامیه سپس به وضعیت فعلی دولت از این ۵ نفر برآورد خنده و میگوید که یکی از آنها بنام مسعود سنگری اکنون رئیس قسمت ۲۸ بوده بقیه در صفحه ۱۹

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر